

# تجارت

## مقدمه

قانون تجارت که اکنون در کشور ما جاری است همان قانون مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۱ شمسی و مشتمل بر ۶۰۰ ماده است.<sup>۱</sup> علاوه بر این در ۲۴ اسفند ۱۳۴۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در ۳۰۰ ماده تصویب شده است که فقط مربوط به شرکت سهامی می باشد. این ۳۰۰ ماده جایگزین ماده ۲۱ الی ۹۳ قانون مصوب ۱۳۱۱ شده است. بنابراین از ماده ۱ تا ۲۰ قانون تجارت و از ۱ تا ۳۰۰ ق.ش.س و از ماده ۹۴ تا ۶۰۰ ق. شرکت با مسئولیت محدود می باشد. البته برخی از مواد قانون قبلی به حسب قانون جدید همچنان باقی و لازم الاجرا هستند مانند مفاد ماده ۲۹۹ قانون شرکت های سهامی<sup>۲</sup> که مواردی را ابقاء کرده است. و ماده ۵۱ و ۹۳ سابق نیز همچنان باقی است.

مباحث مربوط به اسناد تجاری: ۱- تعریف سند تجاری ۲- مزایای اسناد تجاری ۳- اوصاف اسناد تجاری ۴ اقسام سند تجاری

## مباحث مربوط به شرکت های تجاری

مباحث مربوطه به ورشکستگی<sup>۳</sup>: ۱- شرایط ورشکستگی ۲- وضعیت حقوقی معاملات ورشکسته ۳- اقسام ورشکستگی ۴- اعاده اعتبار

<sup>۱</sup>. ترجمه ناقصی از قانون تجارت فرانسه.

<sup>۲</sup>. ماده ۲۹۹ - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکت های سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکت های تجاری می باشد نسبت به آن شرکت ها به قوت خود باقی است

<sup>۳</sup>. مطالعه کتب دکتر ربیعا اسپینی در ۵ جلد پیشنهاد می شود.

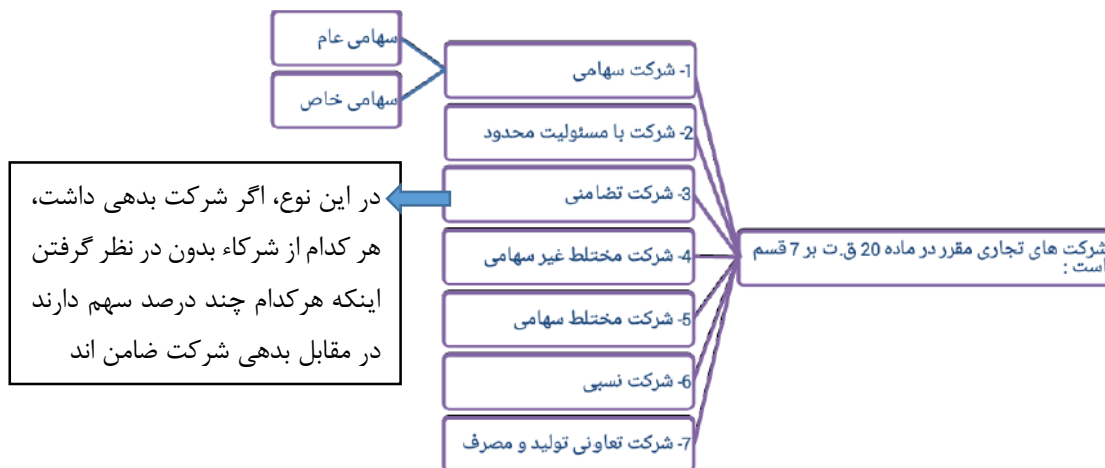
## فصل اول: تجار و معاملات تجاری

### ۱. تاجر

مطابق ماده ۱ ق.ت تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد. ولیکن تاجر می تواند شخص حقیقی و یا حقوقی به شرح ذیل باشد:

شخص حقیقی تاجر: کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

شخص حقوقی تاجر: منحصرأ مراد شرکت های تجاری مقرر در ماده ۲۰ ق.ت به شرح ذیل می باشد



**شرکت تجاری:** قراردادی که به موجب آن دو یا چند شخص با هم توافق می کنند آورده های خود را به قصد تحصیل سود، مشترکاً مورد تجارت قرار دهند و این تجارت خود را در یکی از قالب های پیش بینی شده در ماده ۲۰ ق.ت در آورده و به ثبت برسانند.

نکته: شرکت تجاری یکی از اقسام اشخاص حقوقی در حقوق خصوصی است.

طبق تعریف: تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

مراد از شغل معمول، یعنی اینکه عرفاً شخص را با آن شغل بشناسند. حال اگر شخص عرفاً منبع درآمدش از طریق اشتغال به یکی از اعمال مقرر در ماده ۲ ق.ت بود، تاجر است. بنابراین این اعمال باید آنقدر تکرار شود که به صورت شغل معمولی در بیاید لذا با یک بار انجام دادن چنین اعمال شخص تاجر نمی شود هرچند عمل وی تجاری باشد.

### ۲. معاملات تجاری

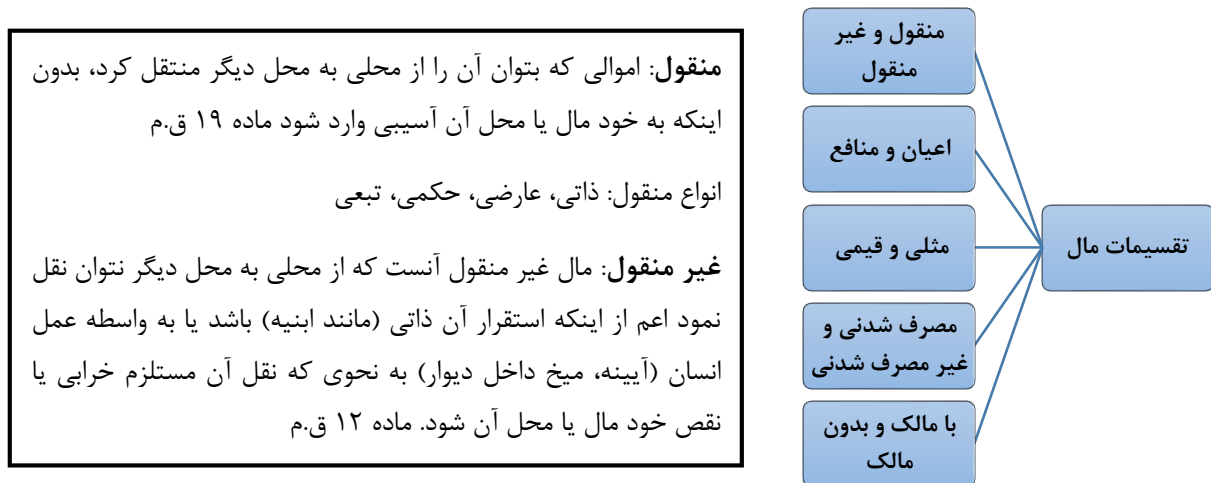
**(الف) معاملات تجاری ذاتی:** معاملات تجاری در ماده ۲ ق.ت در ۱۰ بند به شرح ذیل ذکر شده است که

توضیحاتی ذیل هر بند ارائه می شود

**ماده ۲ ق.ت: معاملات تجاری از قرار ذیل است:**

۱. خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

مقصود از تحصیل در اینجا کلیه طرقی است که از آن طریق مال منقول به دست می‌آید و کسب می‌شود که یکی از آن طرق، خرید و فروش است.<sup>۱</sup> لذا شامل معاوضه هبه، ارث، صلح<sup>۲</sup> و حیازت مباحات نیز می‌شود.



آیا معاملات غیرمنقول تجارتی نیستند؟

طبق ماده ۴ ق.ت. معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتی نمی‌باشند. لکن این ماده توسط ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها استثناء خورده است. زیرا طبق ماده ۵ مذکور، افراد می‌توانند واحدهای مسکونی یا تجاری بسازند و با فروش آن‌ها برای سکونت یا کسب و پیشه، تجارت نمایند.

مقصود از تصرفات یعنی ایجاد تغییرات. مثلاً ۱۰۰ تن برنج خریداری شده اگر به همان صورت که خریده بفروشد، تصرفی صورت نگرفته اما اگر آنها مثلاً بسته بندی کند یا... تصرف صورت گرفته است.

## ۲. تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

تفاوت معنای تصدی در قانون مدنی و قانون تجارت: قید تصدی در قانون مدنی یعنی عهده‌دار شدن؛ اما در قانون تجارت یعنی عهده‌دار شدن در قالب وجود یک مکان (بنگاه، موسسه، تشکیلات، دستگاه که در آن افرادی (کارگر) برای انجام دادن فعالیتی استخدام شده‌اند. به عبارت دیگر وقتی با یک مکان یا بنگاه یا مؤسسه مواجه هستیم که عده‌ای از افراد در آنجا استخدام شده و مشغول فعالیت هستند، کسی که این تشکیلات را راه‌اندازی نموده و سود و زیان حاصل از فعالیت آنجا به او برمی‌گردد، متصدی و تاجر نامیده می‌شود. اما کارمندا که در این بند فعالیتشان حمل و نقل است تاجر نیستند هرچند قراردادی داشته باشند که مطابق آن سودی از تجارت ببرند زیرا تاجر کسی است که سود و ضرر با هم بر او باشد.

<sup>۱</sup> تحصیل یعنی کسب کردن اعم از اینکه از راه خرید یا راه‌های دیگری همچون معاوضه هبه، ارث، صلح و حیازت مباحات باشد.

<sup>۲</sup> صلح محاباتی: عوض وجود دارد ولی بسیار ناچیز است یا جنبه سمبلیک دارد. ۴۲۳ ق.ت.

## نحوه مسئولیت متصدی از نظر قانون تجارت و قانون مدنی چیست؟

**مثال:** کالایی به آقای احمد سپرده میشود که از قم به مشهد منتقل شود. حال اگر در حین حمل و نقل مال تلف یا ناقص شد، حال آیا متصدی حمل نقل مسئولیت دارد یا خیر؟

ماده ۳۸۶ ق.ت.اصل را بر تقصیر متصدی قرار داده است.<sup>۱</sup> مگر خلافتش را ثابت کند. بنابراین تعهد متصدی از نوع تعهد به نتیجه است.

در ماده ۵۱۶ ق.م.تعهدات متصدیان حمل و نقل همان است که برای امانت داران مقرر شده است.<sup>۲</sup> لذا تقصیر و مسئولیت را مشروط به تعدی و تفریط دانسته است.<sup>۳</sup> بنابراین متصدی امین محسوب شده و اصل بر عدم تقصیر اوست و همچنین تعهدش از نوع تعهد به وسیله است.

در مثال فوق اگر متصدی در غالب تشکیل شرکت و تشکیلات تجاری نباشد مطابق ماده ۵۱۶ ق.م. متصدی حمل و نقل امین محسوب می شود و در نتیجه متصدی ضامن نخواهد بود مگر اینکه تعدی و تفریط کرده باشد. اما اگر متصدی در غالب وجود شرکت و تشکیلات تجاری باشد، مطابق ماده ۳۸۶ ق.ت. امین نخواهد بود و در نتیجه ضامن خواهد بود مگر اینکه خلاف آن را ثابت نماید. بنابراین نتیجه گرفته می شود که تعهد متصدی، حسب ماده ۵۱۶ ق.م. تعهد به وسیله و حسب ماده ۳۸۶ ق.ت، تعهد به نتیجه می باشد

در ماده ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ ق.م. تعدی و تفریط را توضیح می دهد.

مطابق ماده ۹۵۳ تفصیر اعم است از تفریط و تعدی.

ماده ۹۵۱- تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت بمال یا حق دیگری.

ماده ۹۵۲- تفریط عبارت است از ترک عملی که بموجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر، لازم است.

### اقسام تعهد:

الف- تعهد به نتیجه یعنی متعهد حتما باید به نتیجه برسد؛ مثل تعهد پیمانکار ساختمان. در این موارد اصل بر تقصیر متعهد است مگر خلافتش ثابت شود. بار اثبات عدم تقصیر بر عهده متعهد است.

ماده ۲۲۷ ق.م. متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت میشود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان مربوط به او نمود.

ماده ۲۲۹ ق.م. اگر متعهد به واسطه حادثه ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تادیه خسارت نخواهد بود.

<sup>۱</sup> اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده و یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید

<sup>۲</sup> این تصدی در قانون مدنی جزء مقررات عام است و شامل تشکیلات تجاری نمی شود یعنی برای جایی است که دفتر و تشکیلات و... نیست. اگر حمل و نقل در قالب یک موسسه یا بنگاه حمل و نقل صورت بگیرد تجارتی محسوب می شود.

<sup>۳</sup> تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از اینکه از راه خشکی یا آب یا هوا باشد برای حفاظت و نگهداری اشیائی که به آنها سپرده میشود همان است که برای امانت داران مقرر است بنابراین در صورت تفریط یا تعدی مسئول تلف یا ضایع شدن اشیائی خواهند بود که برای حمل به آنها داده می شود

ب- تعهد به وسیله؛ هنگامی است که حصول نتیجه بر عهده متعهد نباشد یعنی متعهد می خواهد به نتیجه برسد ولی رسیدن به دست متعهد نیست و بستگی به شرایط دارد. مانند تعهد پزشک یا وکیل دادگستری<sup>۱</sup>. در اینجا اصل بر عدم تقصیر است لذا بار اثبات تقصیر بر عهده متعهدله می باشد.

۳. هر قسم عملیات دلالتی یا حق العمل کاری (کمیسسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

دلال مطابق ماده ۳۳۵ ق.ت.<sup>۲</sup> کسی است که در برابر اجرت، واسطه انجام معاملات می شود یا برای کسی طرف معامله پیدا می کند، لکن خود وارد معامله نمی شود.

با توجه به قسمت اخیر ماده «اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات راجع به وکالت است»، هر جا قانون گذار چنین تعبیری داشته باشد، تعهد از نوع تعهد امین یعنی تعهد به وسیله خواهد بود که اصل بر عدم تقصیر آن است مگر آنکه خلافش ثابت شود. دلال به خلاف حق العمل کار وارد معامله نشده و طرف معامله قرار نمی گیرد. لذا اگر کسی ماشینی را برای فروش به دلال سپرد و ماشین در دست دلال تلف شد، با توجه به امین بودن دلال همچون وکیل، اصل بر عدم تقصیر دلال است مگر خلافش ثابت شود. به عبارت دیگر ید دلال امانی است نه ضمانی.

اشکال به این مطلب: پس چرا ماده ۳۳۹ ق.ت دلال را ضامن دانسته است؟

ماده ۳۳۹ - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است.

بنابراین طبق ماده ۳۳۵ دلال امین است اما طبق ماده ۳۳۹ دلال ضامن است.

جواب: قرارداد دلالتی در برخی موارد تابع وکالت است و در برخی موارد تابع نیست.

قرارداد دلالتی در جایز<sup>۳</sup> و قابل فسخ بودن مانند عقد وکالت است.

اما ید دلال بر خلاف وکیل ضمانی است.

به عنوان نتیجه و جمع بین ۳۳۹ و ۳۳۵ و با توجه به آنچه گفته شد، در مثال فوق دلال بر خلاف وکیل ضامن است مگر خلافش را ثابت کند. اما قرارداد دلالتی همچون وکالت جایز است نه لازم.

<sup>۱</sup>. وکیل موظف است وقتی رای صادر شد وظایفی که بر عهده دارد انجام دهد. اگر بعد از رای انجام نداد تقصیر کرده است.

<sup>۲</sup>. ماده ۳۳۵ - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً قرارداد دلالتی تابع مقررات راجع به وکالت است.

<sup>۳</sup>. ماده ۱۸۴ - عقود و معاملات به اقسام ذیل منقسم میشوند لازم، جائز، خیاری، منجز و معلق.

**حق العمل کار<sup>۱</sup>**، کسی است که به دستور دیگری معاملاتی نموده و آثار معامله برای آمر خواهد بود و در مقابل آن اجرت دریافت می‌کند. حق العمل کاری نوعی وکالت در امور تجاری است (اگر حق العمل کار معامله را به نام خود انجام دهد، عنوان وکالت بر او اطلاق نمی‌شود ولی می‌توان آن را مصداق نیابت دانست، زیرا نیابت مفهومی عام‌تر و وسیع‌تر از وکالت دارد) میزان مسئولیت حق العمل کار، مطابق ماده ۳۵۸ ق.ت.<sup>۲</sup> مانند وکیل است و ضامن نخواهد بود مگر در مواردی که استثناء شده است مانند ماده ۳۶۰ ق.ت.<sup>۳</sup>. بنابراین **ید حق العمل کار امانی بوده و اصل بر عدم تقصیر وی می‌باشد مگر در مواردی که قانونگذار تصریح کرده باشد.**

**عامل:** تعریف خاصی از عامل در قانون تجارت وجود ندارد. عامل نماینده یا وکیل یک شرکت تجاری که به نام و حساب آن شرکت معامله انجام می‌دهد و اجرت می‌گیرد. مثل عاملیت فروش ایران خودرو. از آنجا که عامل نماینده است پس یدش امانی بوده لذا اصل بر عدم تقصیر وی است.

**تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی مثل بنگاه مسکن یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات مانند تهیه غذاهایی که غذا را بیرون می‌فرستند و غیره.**

#### ۴. تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

کارخانه: به کلیه تأسیساتی اطلاق می‌گردد که با نصب ماشین‌آلات صنعتی و استخدام عده‌ای افراد، مشغول فعالیت هستند مانند کارخانه قالی‌بافی، تولید برق، شالی‌کوبی، چای‌خشک‌کنی و ...

کارخانه یا کار خدماتی می‌کند مانند شالی‌کوبی یا کار تولیدی می‌کند مانند بتن سازی صرف تأسیس کفایت نمی‌کند بلکه باید در زمینه خدماتی یا تولیدی به کار هم بیفتد.

کارخانه تجاری نمی‌تواند صرفاً برای حوائج شخصی بنا شود. البته این قید اکنون عقلایی و متعارف نیست زیرا کسی برای برآورده کردن حوائج خود یا خانواده کارخانه راه اندازی نمی‌کند. علت وجود این قید این است که مفهوم کارخانه از سال ۱۸۰۷ که قانون فرانسه نوشته شد تا کنون تغییر کرده است. در آن دوران مفهوم کارخانه بر یک دستگاه موتور تولید برق نیز اطلاق می‌شد لذا این قید در آن زمان معنا داشت نه اکنون.

#### ۵. تصدی به عملیات حراجی

**حراجی<sup>۴</sup>:** فروش کالا به بالاترین قیمت پیشنهادی بدون تعیین قیمت پایه حراجی نامیده می‌شود و چنانچه فروش کالا به بالاترین قیمت پیشنهادی همراه تعیین قیمت پایه توسط کارشناس باشد، مزایده نامیده می‌شود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>. ماده ۳۵۷ - حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می‌دارد.

<sup>۲</sup>. ماده ۳۵۸ - جز در مواردی که به موجب مواد بعدی استثناء شده مقررات راجعه به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.

<sup>۳</sup>. ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

<sup>۴</sup>. حراجی در قانون تجارت با حراجی در عرف مغازه دارها فرق می‌کند. حراج در مغازه‌ها به معنای فروش به قیمت پایین‌تر است.

<sup>۵</sup>. در مزایده تصدی نداشته و نداریم بلکه شرکت یا موسسه یا سازمان دولتی اموالی از خودش را به مزایده می‌گذارد.

قانون‌گذار در این بند، عنوان تصدی به عملیات حراجی را مطرح نموده است، بنابراین باید مؤسسه و تشکیلاتی باشد که عهده‌دار عملیات حراجی گردد. درواقع مردم به‌جای آنکه کالای خود را به یک قیمت معمولی بفروشند، کالای خود را به مؤسسه حراجی تسلیم می‌کنند و مؤسسه حراجی در یک جلسه عمومی، کالا را به مردم عرضه می‌کند و هر کس مبلغ بالاتری پیشنهاد نماید، کالا یا جنس به وی تعلق خواهد گرفت و مؤسسه نیز در قبال خدمتی که ارائه می‌کند، مبلغی را به‌عنوان اجرت دریافت می‌نماید.

#### ۶. تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.

**نمایشگاه عمومی** محلی است که مردم در ازای پرداخت وجهی از آثار هنرمندان دیدن کرده و موجبات تفریح و سرگرمی آن‌ها فراهم می‌گردد مانند سیرک، سینما، تئاتر، آثار نقاشی. نمایشگاه باید برای بازدید عموم مردم برپا شده باشد نه قشر خاصی و در نمایشگاه عمومی کالایی به فروش نمی‌رسد. نمایشگاه واسطه‌ای بین هنرمند و مردم است و درآمدزایی آن صرفاً از طریق پرداخت ورودی خواهد بود. همچنین نمایشگاه‌هایی که شرکت‌های دولتی متصدی برپایی آن‌ها می‌باشند، از تعریف این بند خارج است. قانون‌گذار در این بند نیز عنوان تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی را مطرح نموده است، بنابراین باید مؤسسه و تشکیلاتی باشد که عهده‌دار اداره نمایشگاه گردد.

#### ۷. هر قسم عملیات صرافی و بانکی.

**عملیات صرافی:** تبدیل، مبادله یا معاوضه ارزهای مختلف به یکدیگر به قصد انتفاع، صرافی نامیده می‌شود. صراف نیز تاجر به حساب می‌آید. در حال حاضر بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی، صرافی‌ها باید در قالب تشکیلات تجاری و ثبت شده با مجوز بانک مرکزی به عنوان یک شرکت تضامنی جهت تبدیل، مبادله یا معاوضه ارزهای مختلف و گرفتن حق الزحمه فعالیت کنند.

**در این حالت شرکا بیشترین مسئولیت را دارند.** در شرکت تضامنی<sup>۱</sup> طبق ماده ۱۱۶ هریک از شرکا بدون در نظر گرفتن مقدار سهم الشراکه یا آورده، در مقابل بدهی شرکت مسئولند و هر کدام حتی اگر یک نفر در حساب شخصی اش تمام هزینه بدهی موجود باشد، از حسابش برداشته می‌شود.

**عملیات بانکی:** بانک‌ها مؤسساتی هستند که باعث تسهیل امور تجاری شده و در قبال خدماتی که به مشتریان خود ارائه می‌نمایند، اجرت دریافت می‌کنند.

**عملیات بانکی** معمولاً در قالب شرکتها یا یک شخص سرمایه دار که بتواند بانک باز کند و عملیات بانکی همچون اعطای وام، گشایش LC و... فعالیت می‌کنند.

#### ۸. معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

**معاملات برواتی:** به معاملاتی اطلاق می‌گردد که در رابطه با برات انجام می‌گیرد مانند صدور برات، ظهرنویسی برات، ضمانت و قبول برات. برات در قانون تعریف نشده اما با در نظر گرفتن مواد ۲۲۳ تا ۳۰۶ ق.ت. که مربوط به برات است، می‌توان برات را این‌گونه تعریف نمود: «برات سندی است که به موجب آن، صادرکننده

<sup>۱</sup> ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

(برات کش) به برات گیر (مدیون اصلی) دستور می‌دهد که مبلغی معین را در سررسید معین به دارنده برات (ذی نفع) یا کسی که از طرف دارنده برات مشخص می‌شود پرداخت نماید.»

### موارد صدور برات

#### ۱. دو رابطه حقوقی وجود داشته است

رابطه حقوقی اول) احمد با رضا معامله کرده و ۵ تومن از رضا طلبکار شده  
 رابطه حقوقی دوم) احمد با حسین معامله کرده و ۵ تومن به حسین بدهکار شده  
 احمد برات صادر می‌کند و اسم رضا را به عنوان برات گیر (مدیون) می‌نویسد و بدست حسین (دارنده) می‌دهد تا پول خود را از رضا (براتگیر- مدیون اصلی) بگیرد. رضا هم قبول می‌کند و برات را امضا می‌کند و در موعد مقرر به رضا مراجعه می‌کند.

#### ۲. اعتبار صادر کننده نزد برات گیر

**انتقال برات:** به وسیله ظهر نویسی صورت می‌گیرد. اگر چند نفر برات را ظهر نویسی کنند، وقتی برگیر در موعد پرداخت نکرد دارنده می‌تواند به هرکس خواست مراجعه کند.

سررسید برات: ماده ۲۴۱ ق.ت برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت برات یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات - ممکن است پرداخت به روز معینی موکول شده باشد.

حال اگر حسین به رضا مراجعه کرد و او نیز قبول کند اما در سررسید پرداخت نکند، حسین می‌تواند از مزایای اسناد تجاری در مفهوم خاص استفاده کند. ماده ۲۴۹ ق.ت: برات‌دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. بنابراین هر کس تحت هر عنوانی چه صادرکننده، چه برات گیر چه ضامن و ظهرنویس؛ امضایش در سند برات باشد در مقابل دارند مسئول وجه سند است.

به عبارت دیگر در اسناد تجاری در مفهوم خاص اصل ضم ذمه به ضمه حاکم است نه انتقال ذمه به ذمه<sup>۱</sup>

**سند:** مطابق ماده ۱۲۸۴ ق.م- سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.

#### سند بر دو قسم است:<sup>۲</sup>

**رسمی:** مطابق ماده ۱۲۸۷ ق.م اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک/ و یا دفاتر اسناد رسمی/ یا در نزد سایر مامورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است

<sup>۱</sup> در معاهدات مدنی اصل ضم ذمه به ذمه مطرح نیست مگر در غصب.

<sup>۲</sup> ماده ۱۲۸۶- سند بر دو نوع است: رسمی و عادی



**عادی:** مطابق ماده ۱۲۸۹ ق.م غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است. چک، سفته، برات و صیت نامه و... سند عادی اند.

**سند تجاری** سندی است که معرف وجود طلبی به نفع دارنده آن در سررسید معین باشد و معمولاً بین تجار در معاملات تجاری به کار برده می شود. سند تجاری دارای دو معنای عام و خاص است. **سند تجاری به مفهوم خاص** یعنی اسنادی که جایگزین اسکناس و متضمن یک تعهد به پرداخت وجه است که شامل برات، سفته و چک می گردد و در معنای عام آن کلیه اسنادی که در عرصه فعالیت های تجاری بین تجار برای سهولت و انجام روابط رد و بدل می شود و معرف یک تعهد تجاری باشد را شامل می شود همچون قبض انبار، برگه سهام چک، سفته و ... می گردد.

**سند تجاری:** یک سند قابل معامله، قابل انتقال است و مورد خرید و فروش قرار میگیرد.

قبض انبار: در قانون تجارت تعریف نشده است. تصویب نامه ۱۳۴۰ هیئت وزیران مربوط به تاسیس انبارهای عمومی است. انبارهای عمومی به صورت شرکت سهامی تاسیس می شوند. وقتی تاجر یا تولید کننده کالایی را به انبار سپرد در مقابل قبض می گیرد. یک برگ رسید و یک برگ وثیقه که به آن قبض انبار می گویند. حال دارنده این قبض می تواند برای گرفتن وام، از این قبض به عنوان وثیقه استفاده کند تا مثلاً اگر وام را پرداخت نکرد وام دهنده به دایره اجرای ثبت اسناد محل مراجعه کرده و برای بدست آوردن طلبش درخواست فروش کالا را کند.

## ۹. عملیات بیمه بحری و غیر بحری بیمه:

در ق.ت بیمه تعریف نشده است اما در ماده ۱ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ بیمه این گونه تعریف شده است: «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.»

**برخی از اقسام بیمه:**

۱. اموال مثل بیمه آتش سوزی و سرقت

۲. اشخاص: بیمه عمر

۳. مشاغل: پزشکان

علت اینکه به بیمه بحری تصریح شده است این است که این نوع بیمه قدیمی تر از سایر بیمه ها بوده و راج داشته است.

## ۱۰. کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

کشتی سازی = بند ۴ / خرید و فروش کشتی = بند ۱ / کشتیرانی داخلی یا خارجی = بند ۲ / معاملات راجعه به آن = بند ۱

\*\*\*

**(ب) معاملات تجاری تبعی:** مطابق ماده ۳ ق.ت مراد از اعمال تجاری تبعی، کلیه معاملات - به استثناء معاملات غیرمنقول - که به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها انجام می شود مشروط به اینکه نیازی از نیازهای مالی تاجر را برطرف نماید، که موارد آن توسط قانون گذار در ماده ۳ ق.ت احصا گردیده است.

ماده ۳ ق.ت: معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود

- (۱) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها
- (۲) کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجاری خود می نماید.
- (۳) کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می نماید.
- (۴) کلیه معاملات شرکت های تجاری.

درمورد بند اول آقای ستوده معتقد است هر معامله ای که طرفین تاجر باشند تجاری محسوب می شود چه امور تجاری باشد چه نباشد اما دکتر اسکینی به استناد قانون مادر (قانون فرانسه و رویه آنجا) معتقد است معامله حتما باید تجاری باشد یا نیاز تجاری تاجر را برطرف کند

ماده ۴ ق.ت معاملات مذکور در ماده ۳ را به معاملات منقول قید می زند لذا معاملات غیرمنقول تاجر، معامله تجاری محسوب نمی گردد. زیرا در آن عملیات تجاری صورت نمی گیرد.<sup>۱</sup>

اما ماده ۴ ق.ت در دو مورد استثنا شده است یعنی با اینکه غیر منقول هستند اما معامله تجاری محسوب می شوند

۱. به موجب ماده ۵ قانون تملک آپارتمان ها مصوب ۱۳۴۳ «انواع شرکت های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می شود، از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مرتبط به کارهای ساختمانی ممنوعند».
- بنابراین شخص حقیقی طبق ماده ۵ می تواند معامله تجاری غیر منقول انجام دهد اما شخص حقیقی طبق ماده ۴ نمی تواند.

۲. در ماده ۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ معاملات اموال غیر منقول توسط شرکت های سهامی، به تبع شرکت، اعمال تجاری تبعی محسوب می شود<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ماده ۴ ق.ت معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی شود.

<sup>۲</sup> نظر به این که شرکت های سهامی عظیم ترین و کامل ترین نوع شرکت بوده و اغلب به جهت انجام امور معاملات مهم تشکیل می شود، از این جهت در معاملاتی که انجام می دهد باید قواعد تجاری در آن مجری باشد ولو این که از نوع معاملات بازرگانی نباشد.

### ۳. شرایط اشتغال به تجارت

۱. اهلیت:

س: آیا خانم می تواند تاجر شود

ج: بله مشروط بر اینکه منافی حیثیت خانوادگی خودش و شوهرش نباشد. ماده ۱۱۱۷ ق.م.شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

۲. رعایت مقررات مخصوص

الف) ثبت نام در دفتر ثبت تجاری.<sup>۱</sup>

ثبت نام اماره است برای تاجر بودن شخصی که اسم خود را در دفتر مذکور ثبت کرده است.

ب) داشتن دفاتر تجاری مقرر در ماده ۶ ق.ت.<sup>۲</sup>

ماده ۶ ق.ت هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد:

(۱) دفتر روزنامه.

(۲) دفتر کل.

(۳) دفتر دارایی.

(۴) دفتر کپیه.

کسبه جزء:

(۱) تولیدکنندگان، اصناف، پیشه وران و نظایر آنان که میزان در آمدشان از ۱۰ میلیون تومن تجاوز نکند

(۲) ارائه دهندگان خدمات هزینه ای که میزان در آمدشان از میلیون تومان تجاوز نکند.

بنابراین می توان گفت الان تقریباً کسبه جزء نداریم.

س: آیا این دفاتر در دادگاه میتواند مورد استناد قرار بگیرند؟

ج: اگر شرایط ماده ۱۲۹۷ ق.م.ر رعایت شده باشد. و دو طرف دعوا تاجر باشند و این دعوا ناشی از مطالبات یا محاسبات تجاری باشد، آنگاه این دفاتر مورد استناد واقع می شود.

<sup>۱</sup> ماده ۱۶ ق.ت: در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دویست تا دو هزارریال محکوم خواهند شد.

<sup>۲</sup>.

<sup>۳</sup> ماده ۱۲۹۷- دفاتر تجاری در موارد دعوی تاجری بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود مشروط بر اینکه دفاتر مزبوره مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

در دعوای تاجر علیه غیر تاجر اگر دفتر مطابق ق.ت تنظیم شده باشد سندیت ندارد و فقط اماره محسوب می شود و اگر مطابق قانون تنظیم نشده باشد فقط علیه تاجر سندیت دارد.

در دعوای غیر تاجر علیه تاجر نیز اسناد سندیت دارد.

#### ۴. ورشکستگی

مطابق ماده ۴۱۲ ق.ت ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می شود. یعنی اگر تاجر نتواند بدهکاری های خود را بپردازد مشمول ورشکستگی (نه اعسار) می شود. همین که نتوانست پرداخت کند فارغ از اینکه موجودی و سرمایه اش چقدر است، دادگاه حکم ورشکستگی تاجر را صادر می کند. تاجر معسر دانسته نمی شود زیرا اعسار مختص غیر تاجر است و مقررات خود را دارد

#### اقسام ورشکستگی:

الف: ورشکستگی عادی: نه جرم است و نه مجازات دارد (مثل ورشکستگی در اثر نوسانات بازار)  
ب: ورشکستگی به تقصیر: توضیح آن در مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ ق.ت و مجازات آن در ماده ۶۷۱ ق.م.ا بیان شده است.  
ماده ۵۴۱ - تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود:  
(۱) در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق العاده بوده است.

(۲) در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

(۳) اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

(۴) اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد

ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

(۱) اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.

(۲) اگر عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد.

(۳) اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقوقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

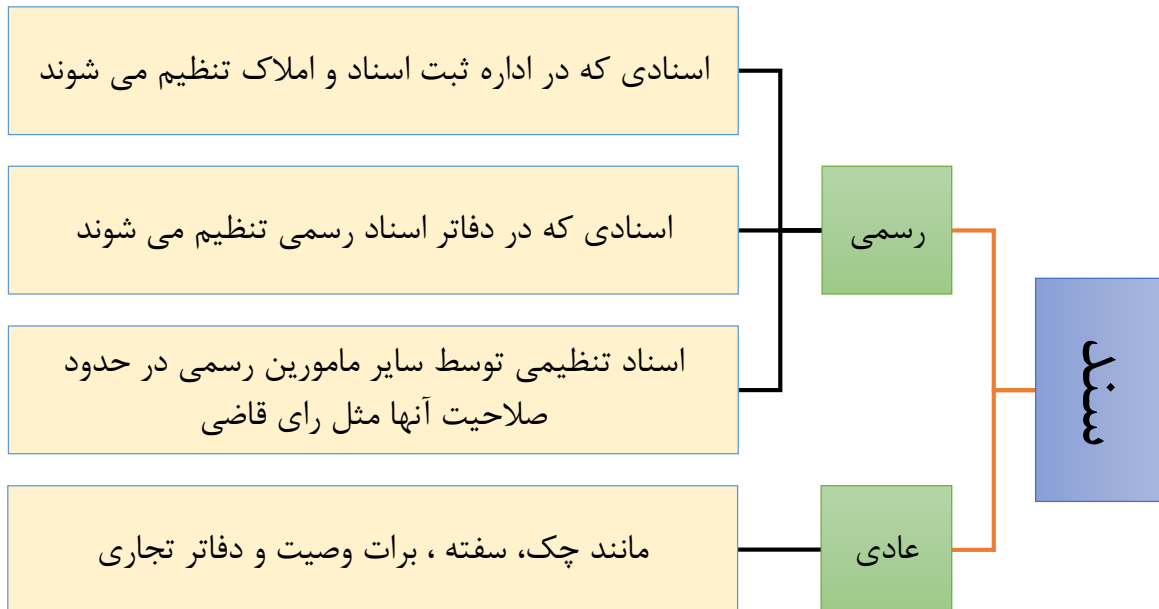
ج: ورشکستگی به تقلب: توضیح آن در ماده ۵۴۹ ق.ت و مجازات آن در ماده ۶۷۰ ق.م.ا بیان شده است.

ماده ۵۴۹ - هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد و یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می شود.

## فصل دوم: اسناد تجاری

سند: هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد (ماده ۱۲۸۴ ق.م.)

اقسام سند



**سند رسمی<sup>۱</sup>:** اسنادی که قانون‌گذار در ماده ۱۲۸۷ قم نام برده است که بر سه قسم است:

الف: اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک تنظیم می‌شوند

ب: اسنادی که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌شوند

ج: اسناد تنظیمی توسط سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها مثل رأی قاضی

**سند عادی:** هر سندی که مشخصات سند رسمی را نداشته باشد یعنی یکی از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷

نباشد مانند چک، سفته، برات وصیت و دفاتر تجاری.

## اسناد تجاری

### ۱. تعاریف

**مفهوم عام:** سندی است که قابل معامله و انتقال بوده و به نفع دارنده آن، معرف وجود طلب یا تعهد تجاری در سررسید معین است و معمولاً بین تجار در معاملات تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. که شامل برات سفته، چک، اوراق قرضه، قبض انبار، فاکتور، اسناد اعتباری بانکی و ... می‌شود.

۱. سند رسمی سندی است که بدون صدور حکم از دادگاه، قابل صدور اجرائیه از دایره اجرای ثبت اسناد محل، برای اجرای مفاد سند است

**مفهوم خاص:** فقط شامل برات، سفته و چک می‌شود.

**قبض انبار:** قبض انبار در قانون ما پیش‌بینی نشده بلکه در تصویب‌نامه مورخ ۱۳۴۰/۶/۱۱ مربوط به تأسیس انبارهای عمومی تجویز شده است.

ماده ۱ تصویب‌نامه مذکور مقدر داشته: **انبار عمومی**، موسسه‌ای بازرگانی است که به منظور قبول امانات و نگهداری مواد اولیه و محصولات صنعتی و فلاحتی و کالاهای صنایع و کشاورزان و بازرگانان با موافقت هیئت نظارت بر انبارهای عمومی و با رعایت مقررات و تصویب‌نامه مربوط به تأسیس انبارهای عمومی و آئین‌نامه‌های مربوطه به صورت شرکت‌های سهامی تأسیس و به ثبت می‌رسد.

### فرق قبض انبار و سفته:

در قبض انبار متعهد با امضاء قبض انبار به دارنده حق می‌دهد در صورت عدم پرداخت مبلغ مندرج در آن، کالاهای موضوع سند را که در انبار عمومی یا نزد خود تاجر هستند از طریق اجرای ثبت به نفع خود بفروشد. در حقیقت قبض انبار وسیله ایجاد وثیقه به نفع دارنده سند است و برای اخذ وام توسط صاحب کالا به کار می‌رود به این نحو که انبارهای عمومی در مقابل به امانت گرفتن کالاها، سندی صادر می‌کنند که از ۲ قسمت یعنی قبض رسید و برگه وثیقه تشکیل شده و به قبض انبار معروف است.

## ۲. مزایای اسناد تجاری در مفهوم خاص

### الف: مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان اسناد تجاری

ماده ۲۴۹-۴۰۳ ق.ت: (اصل ضم ذمه به ذمه) اشخاصی که تحت عناوین مختلف سند تجاری را امضاء می‌کنند همگی در مقابل دارنده سند مسئول پرداخت وجه سند می‌باشند یعنی دارنده سند مختار است که به تمامی آن‌ها رجوع کرده یا به یکی از امضاء کنندگان سند تجاری مراجعه و تمامی مبلغ مندرج در سند را از وی مطالبه نماید لذا مسئولیت تضامنی امتیاز بزرگی برای دارنده سند ایجاد می‌کند. در نتیجه هر چه تعداد امضاء کنندگان سند تجاری بیشتر باشد ارزش و اعتبار سند نیز بیشتر می‌گردد.

آیا در تعهدات مدنی و اسناد غیرتجاری نیز اصل ضم ذمه به ذمه حاکم است؟ خیر در تعهدات مدنی و اسناد غیرتجاری اصل نقل ذمه به ذمه حاکم است به عنوان مثال ماده ۶۹۸ ق.م مقرر داشته «بعد از اینکه عقد ضمان<sup>۱</sup> به طور صحیح واقع شد ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن به مضمون له مشغول می‌گردد» یعنی بدهکار به طور کلی کنار می‌رود.

۱. ماده ۶۸۴ ق.م: عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد.

## ب: صدور قرار تأمین خواسته

اگر مستند دعوا سند تجاری در مفهوم خاص باشد و دارنده به تکالیف خود در قبال سند عمل کرده باشد می تواند بدون اینکه نیاز باشد در صندوق دادگستری وجهی را بابت خسارت احتمالی که ممکن است به خواننده وارد آید، تودیع کند می تواند تقاضای صدور قرار تأمین خواسته بدهد.

ماده ۲۹۲ ق.ت: در مواردی که بدهکار بدهی خود را پرداخت نمی نماید طلبکار در دادگاه علیه وی اقامه دعوی می نماید اما از آنجا که ممکن است بدهکار پس از اطلاع از اقامه دعوی و داشتن فرصت، اموال و دارایی خود را از دسترس طلبکار خارج نماید مصلحت خواهان در این است که همزمان به تقدیم دادخواست یا قبل از آن از دادگاه تقاضای صدور قرار تأمین خواسته نماید که از این طریق با بازداشت معادل وجه سند یا خواسته از اموال بدهکار به نفع خود، فرصت مخفی کردن یا خارج کردن اموال از دسترس را از بدهکار خواهد گرفت.

سوال: چنانچه خواهان در دعوایی که مطرح می کند با شکست مواجه شده و محکوم، به ناحق بودن شود در حالی که مدت زمانی اموال خوانده را در توقیف نگه داشته و این توقیف باعث ورود خسارت به صاحب مال گردیده در این صورت تکلیف چیست؟

جواب: طبق مواد آئین دادرسی مدنی در موارد غیر اسناد تجاری متقاضی صدور قرار تأمین خواسته بایستی بابت جبران خسارت احتمالی تأمین مناسب بدهد و تأمینی که محاکم اخذ می کنند تودیع وجه در صندوق دادگستری است که معمولاً ۱۰ تا ۲۰ درصد خواسته است. اما مطابق ماده ۲۹۲ ق تجارت در صورتی که مستند دعوی اسناد تجاری در مفهوم خاص باشد و مواعد قانونی رعایت شده باشد لزومی ندارد خواهان برای جبران خسارت احتمالی تأمین دهد و دادگاه بایستی بدون الزام خواهان به تودیع وجه اقدام به صدور قرار تأمین خواسته نماید

تکالیف دارند سند در برات: مطابق ماده ۲۸۰ ق.ت<sup>۱</sup> دارند باید ظرف ۱۰ روز از سررسید وخواست عدم تادیه بدهد. بنابراین اگر بعد از ۱۰ روز در خواست صدور قرار تأمین داد باید وجه را به صندوق دادگستری پرداخت کند. این ماده در مورد سفته نیز صادق است. در مورد چک نیز مطابق ماده ۳۱۴ ق.ت<sup>۲</sup> صادق است.

درموارد زیر از دادگاه درخواست تأمین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است:

<sup>۱</sup>. ماده ۲۸۰ ق.ت: امتناع از تادیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته که اعتراض عدم تادیه نامیده می شود معلوم گردد.

<sup>۲</sup>. ماده ۳۱۴ - صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجاری محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده وظهنویسها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.

الف - دعوا مستند به سند رسمی باشد.

ب - خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد.

ج - در مواردی از قبیل اوراق تجاری وخواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد.

د - خواهان، خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقداً به صندوق دادگستری بپردازد.

نحوه اجرای قرار تأمین خواسته: مطابق ماده ۱۲۱ آ.د.م، تأمین در این قانون عبارت است از توقیف اموال اعم از منقول و غیرمنقول.<sup>۱</sup>

نکته: دو مزیت مذکور یعنی مسئولیت تضامنی و تأمین خواسته مربوط به هر ۳ سند تجاری؛ برات، چک و سفته است اما چک علاوه بر آن دو مزیت مختص به خود دارد

### دو مزیت اختصاصی چک:

الف: با توجه به ماده ۲ ق.ص.ج مصوب ۱۳۵۵ چک در حکم سند لازم الاجرا یعنی سند رسمی است. سند رسمی سندی است که بدون صدور حکم از دادگاه، با ارائه چک و گواهی عدم پرداخت قابل صدور اجرائیه از دایره اجرای ثبت اسناد محل، برای اجرای مفاد سند است. یعنی قانون گذار مزیتی که مختص برخی اسناد رسمی لازم الاجرا است را به چک نیز اختصاص داده است. در این حالت دایره ثبت مالی<sup>۲</sup> که دارنده چک معرفی میکند را توقیف کرده و در صورت عدم پرداخت چک، مال را به مزایده می گذارد.

نکته: درخواست صدور اجرائیه فقط علیه صادر کننده در دایره اجرای ثبت قابل پیگیری است پس اگر ظهرنویس ها یا ضامن وجود داشته باشد نمی توان علیه آنان درخواست صدور اجرائیه کرد.

ب: صادر کننده چک در مواردی قابل تعقیب کیفری است.

۱. صدور چک بلامحل که دو حالت دارد. یا اینکه در زمان صدور وجهی در حساب صادر کننده موجود نباشد و علی رغم این موضوع اقدام به صدور چک کند<sup>۳</sup> دوم اینکه: با علم به مسدود بودن حساب بانکی خودش اقدام به صدور چک کند

<sup>۱</sup> اقسام تأمین

ماده ۱۲۱ - تأمین در این قانون عبارت است از توقیف اموال اعم از منقول و غیرمنقول.

ماده ۱۲۲ - اگر خواسته، عین معین بوده و توقیف آن ممکن باشد، دادگاه نمی تواند مال دیگری را به عوض آن توقیف نماید.

ماده ۱۲۳ - در صورتی که خواسته عین معین نباشد یا عین معین بوده ولی توقیف آن ممکن نباشد، دادگاه معادل قیمت خواسته از سایر اموال خوانده توقیف می کند.

ماده ۱۲۴ - خوانده می تواند به عوض مالی که دادگاه می خواهد توقیف کند و یا توقیف کرده است، وجه نقد یا اوراق بهادار به میزان همان مال در صندوق دادگستری یا یکی از بانکها ودیعه بگذارد. همچنین می تواند درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگر بنماید مشروط به این که مال پیشنهاد شده از نظر قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. در مواردی که عین خواسته توقیف شده باشد تبدیل مال منوط به رضایت خواهان است.

<sup>۲</sup> مال نباید از مستثنیات دین باشد.

<sup>۳</sup> چون اصل بر این است که زمانی مراجعه به بانک همان زمان صدور است مگر اینکه صاحب چک ثابت کند چک قبل از آن صادر شده است.



۲. برداشت وجه از حساب پس از صدور چک

۳. دستور عدم پرداخت. مطابق ماده ۱۴ قانون صدور چک در دو مورد صادر کننده می

تواند دستور عدم پرداخت دهد. اول: مفقود شدن چک دوم تحصیل شدن چک از راه

نامشروع مانند مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت.

۴. تنظیم غیر صحیح چک مثلاً اختلاف در مندرجات چک یا امضاء یا قلم خوردگی در

چک

نکته: دستور دهنده یا ذی نفع وظیفه دارد ظرف مدت یک هفته به مرجع قضایی شکایتش را ارائه دهد و گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک ارائه دهد در غیر این صورت بانک چک را به دارنده پرداخت می کند.

البته در هنگام این دستور باید موجود در حساب باشد تا توسط بانک مسدود شود. اگر در غیر از موارد ماده ۱۴ ق.ص.چ دستور عدم پرداخت دهد قابل تعقیب کیفری است.

مجاریات چک بلامحل:

۱. کمتر از یک میلیون تومان: تا ۶ ماه حبس

۲. از یک تا ۵ میلیون تومان: از ۶ ماه یا یک سال حبس

۳. از ۵ میلیون تومن بیشتر: از یک تا دو سال سال حبس + ممنوعیت داشتن چک به مدت دو سال

### ۳. اوصاف حاکم بر اسناد تجاری

#### الف: وصف تجریدی

هر سندی که در قلمرو مدنی تنظیم می شود مبتنی بر یک رابطه حقوقی است وقتی این رابطه حقوقی زایل شد سند نیز اثرش زایل می گردد به عنوان مثال اسناد اجاره و بیع، گویای یک رابطه حقوقی است که با فسخ یا اقاله آنها، این اسناد نیز آثار حقوقی خود را از دست می دهند، اما در قلمرو حقوق تجارت همین که سند تجاری تنظیم شد و به ذینفع تسلیم گردید؛ با زوال رابطه حقوقی سابق، سند از بین نمی رود و اثر آن نیز زایل نمی شود. به همین دلیل است که برخلاف اسناد مدنی که طریقت دارند، اسناد تجاری خاص جنبه موضوعی دارند یعنی فارغ از رابطه حقوقی سابق خودشان موضوع می شوند. به این موضوعیت یافتن اسناد تجاری وصف تجریدی گفته می شود. وصف تجریدی به این معنا است که فعل و انفعالات حادث شده در رابطه حقوقی، تأثیری بر سند ندارد و اساساً رابطه حقوقی طرفین قابل تسری به شخص یا اشخاص ثالث نیست و این حفظ شدن اعتبار به دلیل موضوعیت داشتن سند تجاری است.

مثال: احمد در طی معامله ای چک صادر می کند « حسین طلبکار » احمد ظهرنویس « اکبر ظهر نویس » نقی دارنده چک.

نقی مراجعه به بانک « نبود موجودی در حساب صادر کنند » گواهی عدم پرداخت توسط بانک

نقی دادخواست مطالبه وجه چک می‌دهد و همزمان درخواست تامین خواسته می‌دهد.

احمد در دادگاه حاضر می‌شود و مدعی می‌شود: در معامله ای که با حسین انجام دادم، مواد اولیه ای که به من فروخت، معیوب بود پس معامله فسخ شده پس من مسئولیت ندارم

این حرف فقط در مقابل ید مستقیم (حسین) شنیده می‌شود اما چون به عنوان صادر کننده یا ظهر نویس امضا شده باید وجه آن را پرداخت کنند.

**از وصف تجریدی دو اصل استخراج می‌گردد: اصل استقلال امضات و اصل عدم استماع ایرادات**

#### **یکم: اصل استقلال امضات**

هر امضاء به صورت مستقل و بدون توجه به سایر امضاءها، بیانگر تعهد امضاء کننده است. بنابراین بطلان یک امضاء به امضاءهای دیگر سرایت نمی‌کند. هرچند این اصل در قانون تجارت ایران ذکر نشده است اما آراء برخی محاکم دال بر پذیرش این اصل است مانند رأی شماره ۱۴۹۶ مورخ ۱۳۲۷/۹/۲۷ شعبه ۶ دیوان.

#### **دوم: اصل عدم استماع ایرادات:**

در ماده ۱۷ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو (راجع به برات) اصل عدم استماع ایرادات به این شرح مورد تأکید قرار گرفته است: «اشخاصی که علیه آنان، به استناد برات اقامه دعوی می‌شود نمی‌توانند علیه دارنده برات، به ایراداتی که مربوط به روابط شخصی آنان با یکدیگر است، استناد کنند». در ماده ۲۲ کنوانسیون ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو راجع به قانون متحدالشکل در خصوص چک نیز آمده است: «امضاء کنندگان چک که علیه آنها طرح دعوی شده است نمی‌توانند در مقابل دارنده چک به روابط خصوصی خود با صادرکننده یا با دارندگان قبلی سند استناد کنند، مگر آنکه دارنده هنگام دریافت چک، با علم به زیان بدهکار، عمل کرده باشد» در قانون تجارت ایران ماده صریحی درباره عدم استماع ایرادات وضع نشده است اگرچه از برخی مواد مانند ماده ۲۴۹-۲۵۱ ق.ت قابل استنباط است و همچنین نظرات حقوقی و رویه دادگاه‌ها تا حدودی این نقیصه را جبران کرده است. همچنین در طرح پیش نویس اصلاح قانون تجارت تا حدودی به این موضوع توجه شده است

#### **استثنائات اصل عدم استماع ایرادات:**

۱. ایراد به شرایط شکلی سند (مواد ۲۲۳-۲۲۶ ق.ت): اسناد تجاری باید واجد شرایط شکلی مقرر در قانون تجارت باشند لذا عدم رعایت شرایط شکلی در مواردی سند را از زمره اسناد تجاری بودن خارج ساخته و امتیازات خاص سند تجاری شامل آن نمی‌شود.
۲. ایراد مربوط به عدم اهلیت و فقدان شرایط صحت معاملات: چنانچه ثابت شود امضاء کننده در زمان امضاء سند، محجور (صغیر، سفیه یا مجنون) بوده است، امضاء وی از دور خارج شده و ایراد قابل استناد است. مثلاً تاجر از زمان صدور حکم ورشکستگی ممنوع المداخله در اموالش است. حال اگر

ثابت شود تاجری که سند را امضا کرده ورشکسته بوده امضاء وی بی اعتبار می شود ولی بقیه امضا کنندگاه همچنان ضامن هستند

۳. ایراد مربوط به جعل: شخصی که ادعا دارد امضای وی در سند جعل شده است، می تواند در برابر دارنده سند ایراد نماید و در صورت اثبات، مسئول پرداخت وجه سند نیست. زیرا حسب ادعای او تعهد مندرجه در سند، اصلاً قابل انتصاب به وی نیست و در صورت اثبات ادعای مطالبه وجه از وی غیرمنطقی است.

۴. قابلیت استماع ایرادات، در مقابل ید مستقیم: یعنی هر یک از امضاء کنندگان می توانند در مقابل کسی که سند را مستقیماً به وی انتقال داده به روابط شخصی و تعهد پایه و که سند را بر مبنای آن صادر کرده اند استناد نمایند. مثلاً ادعای بطلان قرارداد مبنای صدور سند (معامله فرش مثلاً) یا ادعای پرداخت وجه چک را داشته باشد. (یعنی قبلاً نقدی پول چک را پرداخت کرده است)

#### **محدودیت های قلمرو اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات (عدم استماع ایرادات):**

۱. اسناد مشمول اصل معمولاً اسنادی هستند که ضرورت جانشینی آنها به جای پول، اجرای اصل را نسبت به آنها اجتناب ناپذیر می سازد که مصادیق بارز این اسناد چک، برات و سفته (اسناد تجاری در مفهوم خاص) می باشند. (قبض انبار و اوراق سهام و ... را شامل نمی شود)
۲. ظاهر ناشی از امضاء مبتنی بر اراده معتبر، در چارچوب اصل، قرار می گیرد بنابراین امضاء صغیر یا امضاء جعل شده و نظایر آن هر چند ظاهر قابل اعتمادی را فراهم می آورد اما به سود دارنده سند و به زیان صاحبان امضا قابل استناد نیستند.
۳. دارنده سند نیز باید دارنده با حسن نیت تلقی شود
۴. دارنده سند در تحصیل آن مرتکب تقصیر سنگین (مثلاً می دانسته که سند دزدی است) نشده

#### **ب: وصف تنجیزی**

در قلمرو حقوق مدنی اعمال حقوقی شامل شرایط خاصی بوده و با توجه به ماده ۱۸۴ ق.م.عقود به لازم، جایز، خیار، منجز<sup>۱</sup> و معلق تقسیم می شوند. اما به موجب وصف تنجیزی، تعهدات ناشی از سند تجاری بر خلاف تعهدات ناشی از روابط مدنی به صورت لازم، جایز، مشروط، مقید، مطلق، تشریفاتی و ... نیست بلکه سند تجاری باید متضمن دستور پرداخت بدون قید و شرط باشد و این دستور پرداخت نباید معلق و منوط به وقوع احتمالات یا امر دیگر باشد؛ بنابراین سند تجاری معلق نداریم

بنابر ماده ۱۸۹ ق.م.عقد منجز آنست که تاثیر آن بر حسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد والا معلق خواهد بود.

علت این وصف:

۱. عقد منجز عقدی است که تاثیرش بر حسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد والا معاق خواهد بود

### اولاً: حقوق دارنده متزلزل خواهد شد

ثانیاً: عدم وجود وصف تنجیزی در اسناد تجاری با قابلیت تسریع و تسهیل گردش اسناد و ماهیت آن منافات دارد و در نتیجه مانع از ایفای نقش صحیح و اصولی سند تجاری خواهد بود.<sup>۱</sup>

ماهیت اسناد تجاری با قید و شرط سازگار نیست پس هر شرطی در اسناد تجاری کان لم یکن است. مثلاً اگر چکی به بانک برود که در آن پرداخت وجه مشروط به چیزی شده باشد، بانک به شرط تریب اثر نمی دهد.

در این حالت صادر کننده در صورت تخلف از شرط توسط دارنده، می تواند علیه دارنده اقامه دعوا کند و به اسناد بین خود استناد کند.

### ج: وصف فرمالیسم یا شکلی

جنبه شکلی اسناد تجاری در حقوق تجارت ایران و کنوانسیون های ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ ژنوا از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و نقایص شکلی موجب بی اعتباری آن ها می گردد. لزوم احترام به شکل و صورت سند به این جهت است که به امضاکنندگان سند تفهیم نماید که تعهد ایشان جنبه تجریدی دارد به عنوان مثال می توان از ماده ۲۲۳ ق.ت.<sup>۲</sup> که شرایط شکلی برات را ذکر کرده نام برد که با توجه به ماده ۲۲۶ ق.ت اگر شرایط شکلی رعایت نشود مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.<sup>۳</sup>

### د: وصف قابلیت انتقال

سند تجاری به صرف امضاء در ظهر آن، به دیگری منتقل می شود.

برات: ۲۴۵ ق.ت.<sup>۴</sup> / سفته: ۳۰۹ ق.ت.<sup>۵</sup> / چک: ۳۱۲ ق.ت.<sup>۶</sup>

۱. در ماده ۲۳۳ قانون تجارت به طور ضمنی، شرط را پذیرفته است ولی متعاقباً قانون گذار متوجه شد وجود تعلیق و شرط می تواند مضر باشد به همین دلیل در قانون صدور چک ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی این موضوع مورد امان نظر واقع شد اگر در چک و سفته و برات دستور پرداخت مشروط به شرطی شود شرط فاقد اعتبار تجاری است. در اینجا منظور از شرط یعنی پرداخت وجه سند تجاری منوط به تحقق شرطی باشد

۲. ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضاء بر امضاء باید دارای شرایط ذیل باشد:

(۱) قید کلمه (برات) در روی ورقه.

(۲) تاریخ تحریر (روز و ماه و سال).

(۳) اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند.

(۴) تعیین مبلغ برات.

(۵) تاریخ تأدیه وجه برات.

(۶) مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر.

(۷) اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می شود.

(۸) تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است

۳. ماده ۲۲۶ - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.

۴. ماده ۲۴۵ - انتقال برات به وسیله ظهرنویسی به عمل می آید.

۵. ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است.

۶. ماده ۳۱۲ - چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد - ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود.

ماده ۲۴۷ ق.ت. ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویسی وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول و لدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.

انتقال گیرنده سند تجاری تکلیفی ندارد که به روابط خصوصی ایادی قبلی، یا به منشاء صدور یا ظهر نویسی سند تجاری توجه کند و نباید نگران ایرادات احتمالی صادرکننده سند و ایادی قبل از خود باشد. به همین دلایل گفته می‌شود، ایراداتی که مربوط به منشاء صدور یا ظهرنویسی است، پذیرفته نیست. امضاء کنندگان سند (اعم از صادرکننده و ظهر نویس و ضامن) نمی‌توانند در مقابل دعوای دارنده سند، به ایراداتی از قبیل فسخ معامله یا بطلان آن، تهاتر، تخلف از شرط و وصف، تقلب، نامشروع بودن جهت و امثال آن متوسل شوند. این بدین معنا است که اساساً به این ایرادات توجه نمی‌شود و دادگاه خود را فارغ از ورود به این مباحث می‌داند، هرچند که دلیل اثباتی ایرادات قوی و غیر قابل انکار باشد. اصل عدم استماع ایرادات، مقتضای وصف تجریدی و وصف قابلیت انتقال است.

#### ۴. اقسام اسناد تجاری خاص

اسناد تجاری خاص عبارتند برات، چک و سفته که شرح تفصیلی آن در ذیل می‌آید:

#### الف: برات (مواد ۲۲۳ تا ۳۰۶ ق.ت)

هرچند در جامعه تجاری کنونی خود برات مبتلا به نیست ولیکن از آنجا که قانون‌گذار در امر سفته در ماده ۳۰۹ ق.ت.<sup>۱</sup> که بسیار مبتلا به است رعایت مباحث چهارم تا دوازدهم از مباحث برات را در سفته نیز لازم دانسته است، آشنایی با مباحث مربوط به برات اهمیت فراوانی می‌یابد. همچنان که در مورد خود سفته به صورت مستقل سه ماده قانونی بیشتر نداریم و باقی مواد آن به مبحث برات حواله گردیده است. همچنین قانون‌گذار برخی از مواد چک را نیز به مباحث برات حواله کرده است (مانند ماده ۳۱۴ ق.ت.<sup>۲</sup>).

**تعریف برات:** قانون تجارت تعریفی از برات ارائه نکرده است اما با توجه به مقررات مدون راجع به برات می‌توان این‌گونه تعریف کرد: **برات سندی ذاتاً تجاری است، که به موجب آن، برات دهنده به برات گیر یا محال علیه دستور می‌دهد که مبلغی معین را در سررسید معین به دارنده برات یا محال له، یا شخصی که از طرف دارنده برات، تعیین گردیده، پرداخت نماید.**

شرایط صحت برات: (ماده ۲۲۳ ق.ت)

۱. امضا یا مهر

۲. قید کلمه برات بر روی ورقه

<sup>۱</sup> ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجارتی (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد سفته طلب نیز لازم‌الرعایه است.

<sup>۲</sup> ماده ۳۱۴ - صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتی محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویسها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.

۳. درج تاریخ تحریر در برات
۴. درج نام تأدیه کننده در برات (برات گیر یا محال علیه)
۵. تعیین مبلغ برات
۶. درج تاریخ تأدیه وجه برات
۷. درج مکان تأدیه وجه برات
۸. درج نام دارنده برات
۹. تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم الخ است

### توضیح هر یک از این شروط

**امضا یا مهر:** به عنوان شرط فوق العاده اساسی برای به وجود آمدن سند تلقی می شود که نشاندهنده قصد انشاء<sup>۱</sup> صادرکننده می باشد و در صورتی که این قصد و اراده باطنی ابراز نگردد آن نوشته نه تنها برات نیست بلکه هیچ گونه سندیتی نخواهد داشت (م ۱۹۱ ق مدنی در مورد قصد انشاء)

امضا و مهر همعرض هم هستند. قانون گذار به علت اینکه امضا پدیده ای غربی و غیر مرسوم بود و تجار عموماً بیسواد بودن مهر را نیز پذیرفته است. در گذشته تجار مشخصات خود را روی سنگ، قلع ... حک می کردند و از آن به عنوان نشانه هویت خود استفاده می کردند. نکته ای که باید در نظر داشت این است که مهر امضاء یعنی امضایی که به صورت مهر در آمده است معتبر نمی باشد. همچنین امضاء الکترونیکی نیز مورد قبول قانون گذار نیست.

سؤال: چنانچه بیش از یک نفر برات را صادر کنند، مسئولیت صادرکنندگان چگونه می باشد یعنی آیا مسئولیت مشترک و نسبی است یا تضامنی است؟ در نظام حقوقی ایران هنگامی که از مسئولیت جمعی بحث می گردد اصل بر مسئولیت نسبی بوده و مسئولیت تضامنی خلاف اصل است لذا فقط در مواردی که قانون تصریح کند مسئولیت تضامنی ایجاد می شود. و از آنجا که قانون تجارت در مورد مسئولیت، در فرض اینکه صادرکننده برات بیش از یک نفر باشد صحبتی نکرده است لذا مسئولیت صادرکنندگان در مقابل دارنده برات نسبی می باشد.<sup>۲</sup>

**قید کلمه برات بر روی ورقه:** با عنایت به اینکه تعهدات ناشی از اسناد تجاری بسیار سنگین است قانون گذار قصد نموده، اشخاصی را که تحت هر عنوان، سند تجاری را امضاء می کنند، از تعهدات سنگینی که در انتظار آنها می باشد آگاه سازد. البته با توجه به اینکه فرم های برات به صورت متحدالشکل و چاپ شده در اختیار مردم قرار می گیرد و بر روی این فرم ها کلمه برات با حروف درشت چاپ شده است لذا این الزام قانونی قهراً مراعات می شود. دیگر اینکه به این صورت اسناد تجاری از یکدیگر تفکیک می شوند.

<sup>۱</sup>. ماده ۱۹۱ - عقد محقق میشود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.

<sup>۲</sup>. ماده ۲۴۹ - برات دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.

**درج تاریخ تحریر در برات:** منظور از تاریخ تحریر، تاریخی صدور برات می‌باشد. البته با توجه به اینکه برات از اسناد مدت‌دار می‌باشد طبیعی است که دارای ۲ تاریخ باشد یکی تاریخ صدور و یکی هم تاریخ سررسید.

### سؤال: فواید مترتب بر درج تاریخ صدور چیست؟

الف) اول این که مشخص‌کننده وضعیت اهلیت صادرکننده برات در زمان صدور می‌باشد، با توجه به این که صادرکننده برات معمولاً تاجر می‌باشد، مشخص می‌شود آیا در زمان صدور اهلیت لازم برای صدور چنین سندی را داشته یا خیر. مثلاً در بحث ورشکستگی وقتی که حکم ورشکستگی تاجر صادر می‌شود با توجه به ماده ۴۱۸ ق.ت تاجر ممنوع المداخله می‌گردد یعنی حق مداخله در امور مالی خود را نخواهد داشت لذا با توجه به اینکه صدور برات، مداخله در اموال محسوب می‌شود، مشخص می‌شود تاجر در آن تاریخ ممنوع بوده یا خیر.

اگر هم تاجر نبوده، برای بررسی اینکه در آن تاریخ محجور بوده یا نه. (صغار، مجنون، سفیه)

ب) تاریخ صدور، تعیین‌کننده سررسید برات در برات‌های به وعده از تاریخ صدور، می‌باشد. مثلاً در قسمت سررسید نوشته میشود ۴ ماه پس از صدور.

**درج نام تأدیه کننده در برات (برات گیر یا محال علیه):** به شخصی که وجه مندرج در برات را بایستی پرداخت نماید برات گیر یا محال علیه گفته می‌شود.

**فایده این شرط:** برای تایید قبولی برات و اینکه دارنده برات بداند جهت وصول وجه برات باید به چه شخصی مراجعه کند.

صرف ذکر نام برات گیر در برات، تعهدی به ضرر وی ایجاد نمی‌کند و زمانی وی متعهد شناخته می‌شود که برات را با مهر یا امضا قبول نماید. حتی اگر کسی به صادر کننده بدهکار باشد ملزم به قبولی برات نیست.

تا وقتی که برات توسط برات گیر قبول نشود سند ناقص است. اگر سند توسط برات گیر امضا نشده باشد برای ظهرونیسان اطمینان خاطر وجود ندارد و مشخص نیست که چه کسی می‌خواهد وجه برات را تأدیه کند.

سؤال آیا صادرکننده می‌تواند بر عهده کسی که واقعاً وجود خارجی ندارد براتی صادر نماید؟ برخی از نظریه پردازان حقوق تجارت مثل دکتر ستوده تهرانی معتقد است که این امر امکان پذیر است. یعنی ممکن است برات گیر یک شخص حقیقی یا حقوقی باشد بدون اینکه نیاز باشد درباره واقعی بودن او تحقیق و جستجو کرد. اشکال جدی به نظریه فوق این است که منجر به کلاهبرداری می‌شود لذا حتماً باید برات گیر وجود خارجی داشته باشد.

۱. با توجه به ماده ۲۴۱ ق.ت سررسید برات می‌تواند به ۴ صورت تعیین شود که یکی از آنها به وعده از تاریخ صدور می‌باشد لذا در این مورد تاریخ صدور برات متضمن این فایده است که تاریخ سررسید را معین می‌کند.

**تعیین مبلغ برات در برات:** این بند کمیت را معین کرده اما به کیفیت (تعیین نوع پول) اشاره‌ای نکرده است.

سؤال: آیا می‌توان نوع پول در برات را پول خارجی قرار داد؟ پاسخ: با توجه به ماده ۲۵۲ ق.ت (که مقرر کرده است که پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می‌آید) چنین چیزی امکان‌پذیر می‌باشد اما با توجه به مواد ۲ و ۵ و ۱۱ قانون پول بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، نوع پول در برات را نمی‌توان پول خارجی قرار داد. لذا قانون پولی و بانکی کشور بر قانون تجارت مقدم می‌شود زیرا مؤخر بر قانون تجارت است.

**درج تاریخ تأدیه وجه برات (سررسید):** اهمیت تاریخ تأدیه این است که اولاً دارنده برات امیدوار است که این برات در سررسید تبدیل به پول شود ثانیاً تاریخ مزبور تاریخی است که در صورت عدم پرداخت در سررسید، تاریخ آغاز اقدامات حقوقی و مبدأ شروع مرور زمان خواهد بود

### چهار روش تعیین سررسید

با توجه به ماده ۲۴۱ ق.ت برای تعیین سررسید برات چهار روش به شرح ذیل وجود دارد:

- ۱- به رؤیت (حال - بدون مدت): یعنی به محض ارائه برات باید وجه برات پرداخت شود. قانون‌گذار برای ارائه چنین براتی حداکثر یک سال از تاریخ صدور به دارنده برای مطالبه و پرداخت مهلت داده است والا دارنده برات مزایای این سند را یعنی حق مراجعه به ظهرنویس ها و نیز مراجعه به برات دهنده‌ای که وجه برات را به محال‌علیه رسانده. از دست خواهد داد (ماده ۲۷۴ ق.ت)<sup>۱</sup>
- ۲- به وعده از رؤیت: مثلاً ۳ ماه پس از رؤیت؛ با توجه به ماده ۲۴۳ ق.ت<sup>۲</sup> موعده پرداخت براتی که به وعده از رؤیت است، به وسیله تاریخ قبولی توسط برات‌گیر مشخص می‌شود.
- ۳- به وعده از تاریخ صدور: مثلاً ۳ ماه پس از تاریخ صدور
- ۴- به صورت روز، ماه و سال: تاریخ سررسید را تعیین می‌نماید. مثلاً چهارده اسفند نودوچهار.

**درج مکان تأدیه وجه برات:** اعم از اینکه محل اقامت محال‌علیه (برات‌گیر) باشد یا محل دیگر.

نکته: مکان تأدیه وجه حتماً باید مشخص باشد<sup>۳</sup> که توسط صادر کننده برات مشخص می‌شود.

**درج نام دارنده برات:** برات باید در وجه فرد معین صادر شود یعنی در ابتدا نمی‌توان برات را در وجه حامل صادر کرد درحالی‌که به تصریح قانون تجارت، سفته و چک می‌توانند از ابتدا در وجه حامل تنظیم شوند.

<sup>۱</sup> ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا درخارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات‌دهنده که وجه برات را به محال‌علیه رسانیده است نخواهد داشت.

<sup>۲</sup> ماده ۲۴۳ - موعده پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراضنامه نکول معین می‌شود.

<sup>۳</sup> ماده ۲۳۴ - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول‌کننده باید تأدیه شود تصریح به مکان تأدیه ضروری است.



البته دارنده برات می‌تواند با ظهر نویسی حسب مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ ق.ت، برات را به دیگری هرچند در وجه حامل منتقل نماید.

سؤال: برای اینکه برات یک سند تجاری قابل انتقال باشد آیا ذکر کلمه (به حواله کرد) در آن لازم است؟ پاسخ: در حقوق ایران مطابق ماده ۲۴۵ ق.ت، انتقال برات به وسیله ظهر نویسی به عمل می‌آید و از آنجا که قانون‌گذار در ماده مذکور کلمه برات را به صورت مطلق به کار برده است یعنی هم شامل برات‌هایی می‌شود که در وجه شخص معین صادر شده و هم شامل برات‌هایی که عبارت حواله کرد در آن ذکر شده است. بنابراین ماده ۲۴۵ ق.ت تکلیف برات و سفته را معلوم می‌نماید در مورد چک نیز ماده ۳۱۲ ق.ت<sup>۱</sup> همین موضع معمول در برات را اتخاذ کرده است بنابراین در حقوق ایران درج یا عدم درج کلمه حواله کرد، دارای بار حقوقی نمی‌باشد و اگر این عبارت هم درج نشود باز اسناد تجاری خاص قابل انتقال می‌باشند.

### تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم الخ است.

امروزه کاربردی ندارد زیرا برات امروزه فقط در یک نسخه صادر می‌شود. در گذشته چون امکان مفقودی یا سرقت یا... در سفرهای طولانی بود، برات در چند نسخه که همه در حکم یک نسخه بودند صادر می‌شد تا مثلاً اگر یک نسخه مفقود شد، بتواند با نسخه دیگر برود دادگاه.

### ضمانت اجرای فقدان شرایط مقرر در ماده ۲۲۳ ق.ت

ماده ۲۲۶ ق.ت متضمن ضمانت اجرای فقدان شرایط مذکور در ماده ۲۲۳ می‌باشد.

طبق ماده ۲۲۶ ق.ت در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ ماده ۲۲۳ نباشد، مشمول مقررات راجعه به بروات تجاری نخواهد بود.<sup>۲</sup> البته این بدین معنا نیست که این سند اصلاً تجاری نیست. لذا اگر ظهر نویسی شده باشد و صادر کننده اهلیت نداشته باشد، بقیه ضامن پرداختند.

سؤال: چرا قانون‌گذار در ماده ۲۲۶ ضمانت اجرای، فقدان شرط اول «قید کلمه برات» و همچنین مهر و امضا را نیاورد؟

در مورد قید برات، شاید به خاطر اینکه در شرایط بعدی اسم برات‌گیر و ... آمده خود نشان‌دهنده این است که آن برگه، برات است؛ البته در برات‌های امروزه که چاپی می‌باشد اصلاً فقدان این شرط منتفی است. در مورد امضاء یا مهر نیز چون قانون‌گذار وجود آن در برات را یک امر بدیهی تلقی کرده است. چراکه از نظر

۱. ماده ۳۱۲ - چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد - ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود.

۲. ماده ۲۲۶ ق.ت: در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجاری نخواهد بود.

مردم امضا و مهر باید حتماً باشد. زیرا در صورت فقدان امضا یا مهر، اصلاً سندیتی ندارد که بخواهیم راجع به تجاری بودن یا نبودنش بحث کنیم.

سؤال: اگر کسی چک یا برات یا سفته را به صورت سفید امضاء یا سفید محض، به دارنده داد، آیا دارنده می‌تواند امضاء کند و مبلغ را بنویسد؟ به عبارت دیگر آیا چنین سندی اعتبار و سندیت تجاری دارد؟

در پاسخ دو نظر مطرح است: نظر اول: بله چون با صادرکننده با این کار در حقیقت به دارنده وکالت جهت تکمیل داده است. نظر دوم: وقتی قانون‌گذار در ماده ۲۲۳ شرایط را ذکر کرده، یعنی در زمان صدور همه موارد باید تکمیل شود و اصل بر تکمیل بودن برات است لذا اگر شرایط رعایت نشود، جزو بروات تجاری و سند تجاری نیست و از امتیازات سند تجاری برخوردار نخواهد بود (نظر صحیح)

**محل برات:** محل برات عبارت است از اعتبار یا طلبی که برات دهنده در سررسید نزد برات‌گیر دارد. قانون تجارت ما صراحتاً اشاره‌ای به محل برات نکرده و فقط در مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ ق.ت. به وجه یا مبلغ برات اشاره نموده که منظور از وجه برات یا مبلغ برات همان محل برات است

**برات سازی:** منظور براتی است که فاقد محل می‌باشد و برات‌کش قصد تأمین محل در سررسید را ندارد این برات زمانی صادر می‌شود که صادرکننده نیاز به اعتبار دارد تا بتواند ثمن معامله‌ای را در موعد معین پیدا نماید در این صورت اقدام به صدور برات نموده و برات‌گیر آن را قبول می‌کند و صادرکننده به شخصی که کالا را از او خریداری کرده تسلیم می‌کند اما قبل از سررسید وجه آن را به دارنده پرداخت و برات را از گردش خارج می‌کند. در نظام حقوقی ایران صدور برات سازی بلاشکال است اما با توجه به بند ۳ ماده ۵۴۱ ق.ت. اگر صدور این برات توسط تاجر و به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود باشد در صورت صدور حکم ورشکستگی، این ورشکستگی از نوع ورشکستگی بالتقصیر بوده و به استناد ماده ۶۷۱ ق.م.ا. باید مجازات شود.<sup>۱</sup>

سؤال: وجود محل در برات در چه زمانی ضروری می‌باشد؟

آنچه لازم است تأمین محل برات در زمان سررسید می‌باشد نه در زمان صدور. این مطلب از قسمت اخیر ماد ۹۰ ق.ت. (..... در سر وعده وجه برات را به محال‌علیه رسانیده..) استنباط می‌گردد لذا اگر براتی در سررسید محل داشته باشد معتبر بوده و هیچ اشکالی بر آن وارد نیست. (چه طلب باشد چه اعتبار)

## مواعد<sup>۲</sup>:

دارنده سند تجاری باید مواعد و وظایفی که قانونگذار مشخص کرده است را رعایت کند تا از مزایای سند برخوردار شود.

<sup>۱</sup> بند ۳ ماده ۵۴۱ ق.ت. اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه‌است به کار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

<sup>۲</sup> مواد ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۹۰ و ۲۹۱ ق.ت.

۱- اگر دارنده برات، مواعد (مربوط به قبولی، پرداخت، اعتراض به نکول و اعتراض به عدم تأدیه ظرف ۱۰ روز<sup>۱</sup>) را رعایت کرده باشد هم می‌تواند علیه برات‌گیری که محل نزد اوست و هم علیه کسانی که محل برات نزد آن‌ها نیست یعنی برات دهنده و ظهرنویس‌ها به دلیل تعهد برواتی اقامه دعوا نماید.

۲- اگر دارنده برات، مواعد قانونی را رعایت نکند دیگر حق مراجعه به متعهدین برواتی، که محل نزد آن‌ها نیست را ندارد و نمی‌تواند از مزایای ماده ۲۴۹ ق.ت.<sup>۲</sup> استفاده کند. و فقط می‌تواند به متعهدی که محل برات نزد اوست مراجعه نماید. به عبارت دیگر رعایت نکردن مواعد، موجب محرومیت از مزایای ماده ۲۴۹ ق.ت خواهد شد اما به هر حال عدم رعایت مواعد، سبب بی‌حقی دارنده برات نمی‌شود و از آنجایی که محل نزد برات‌گیر می‌باشد اگر برات‌گیر پس از انقضای این مواعد محل را به صادرکننده مسترد کرده باشد در این صورت اقامه دعوا علیه برات‌گیر منتفی می‌شود لیکن چون محل مزبور، برای پرداخت این سند بوده، دارنده می‌تواند که به کسی که محل برات نزد اوست مراجعه کند یعنی همان صادرکننده که محل به وی مسترد شده است.

اگر دارند ظرف یک سال به برات‌گیر مراجعه نکرد، و برات‌گیر ورشکسته شد، دارنده نمی‌تواند به صادر کننده رجوع کند چراکه به وظیفه خود عمل نکرده است.

**قبولی برات (ماده ۲۲۸ ق.ت):** منظور از قبولی این است که برات‌گیر تعهد می‌کند وجه برات را در سررسید بپردازد که این امر با امضا یا مهر برات‌گیر محقق می‌شود. و قبل از قبولی برات یک سند ناقص است. با امضای برتگیر بقیه راغب می‌شوند تا ظهرنویسی آن را بپذیرند اگرچه بدون امضاء برات‌گیر هم میشد با ظهرنویسی سند را انتقال داد.

نکته: بعد از قبولی قبول کننده حق نکول ندارد. این تعهد یک تعهد برواتی با مسئولیت تضامنی است به این معنا که قبولی برات گیر با امضا یا مهر مطابق ماده ۲۴۹ ق.ت قرینه‌ای بر وجود محل نزد وی می‌باشد و ایرادات در مقابل دارنده برات پذیرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر رابطه برات گیر و برات کش ارتباطی به دارنده برات ندارد<sup>۳</sup>. (وصف تجریدی-اصل استقلال امضات)

### شرایط قبول برات:

ماده ۲۲۸ ق.ت قبولی برات در خود برات/ با قید تاریخ نوشته شده/ امضاء یا مهر / می‌شود.

۱. ماده ۲۸۰ ق.ت.

۲. ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.

دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید.

همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات‌دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولیت برات نیست - اقامه‌کننده دعوی ملزم نیست ترتیب‌ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

۳. برات‌گیر باید تعهد خود را در مقابل دارنده انجام دهد سپس با اسناد خود علیه کسی که واقعا محل نزد اوست اقامه دعوا کند.

در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد - اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رؤیت حساب می‌شود.

سؤال: آیا برات گیر ملزم به قبولی برات می‌باشد؟

برات گیر اختیار دارد که برات را قبول یا نکول نماید. به استناد ماده ۲۳۵ ق.ت برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.

برات گیر ملزم به قبول یا نکول است. دارنده طبق ماده ۲۹۳ ق.ت در موارد ذیل حق اعتراض دارد.

(۱) در مورد نکول.

(۲) در مورد امتناع از قبول یا نکول.

(۳) در مورد عدم تأدیه.

قانون تجارت به دارنده اختیار داده که برات را به قبولی برات گیر برساند یا نرساند و زمان اخذ قبولی نیز تا سررسید برات می‌باشد که استثنائاتی نیز به شرح ذیل دارد:

اول: گاهی در برات قید می‌گردد که در تاریخ مشخصی مثلاً ۹۴/۹/۱۲ برات برای قبولی ارائه شود. این شرط الزام ایجاد می‌کند چراکه ممکن است که قصد صادرکننده این باشد که صدور برات را به برات گیر اطلاع دهد یا قصد دارد که قبل از قبولی برات محل آن را برای برات گیر ارسال کند لذا دارنده نباید قبل از زمانی که برای ارائه در برات قید شده برات را برای گرفتن قبولی به برات گیر ارائه نماید.

دوم: اگر برات به رؤیت باشد دارنده مکلف است ظرف یکسال از تاریخ برات پرداخت یا قبولی آن را مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهر نویس ها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به برات گیر رسانیده است را نخواهد داشت. (ماده ۲۷۴ ق.ت)

اگر برات به رؤیت باشد نیازی به گرفتن قبولی ندارد.

سؤال: اگر برات گیر بعد از قبول کردن فهمید اشتباه کرده آیا می‌تواند از قبولش برگردد؟

با عنایت به ماده ۲۳۱ ق.ت، قبول کننده برات حق نکول ندارد. لذا در صورت اشتباه باید مبلغ را بپردازد و پس از آن به صورت جداگانه اقامه دعوا نموده و ادعای خود مبنی بر اشتباه را اثبات نماید.

**مهلت اعلام قبول** حسب ماده ۲۳۵ ق.ت برات باید به محض ارائه یا نهایتاً ۲۴ ساعت پس از ارائه مورد قبول یا نکول قرار گیرد. سکوت برات گیر در خصوص قبول نیز نکول محسوب می‌شود.

**قبول مشروط (ماده ۲۳۳ ق.ت)** به موجب این ماده چنانچه قبولی، مشروط نوشته شود این برات نکول شده محسوب می‌شود اما با این وجود قبول کننده به شرط، در حدود شرطی که نوشته، مسئول پرداخت وجه برات می‌باشد. این ماده به دارنده این اختیار را می‌دهد که در صورت مشروط قبول شدن برات، یا آن را نکول شده تلقی و اقدام به واخواست نکول نموده و علیه مسئولین برات اقامه دعوا کند یا منتظر بماند تا سررسید برات فرا رسد و در صورت عدم پرداخت برات علیه برات‌گیر اقامه دعوا کند. به‌عنوان مثال تاجری در تهران بر عهده مشتری خود در شیراز که از وی طلبکار است براتی صادر می‌کند که وجه آن در تهران پرداخت شود برات‌گیر برات را قبول کرده اما شرط می‌کند وجه آن را در شیراز پرداخت نماید. این قبول به صورت مشروط انجام و نکول محسوب می‌شود و دارنده اختیار دارد که طبق ماده ۲۳۳ ق.ت عمل کند.

**قبول جزئی** ماده ۲۲۹ ق.ت هر عبارتی که محال‌علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد. اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. در صورتی که محال‌علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می‌شود.

**نکول برات‌گیر (مواد ۲۳۵ و ۲۳۳ ق.ت)** منظور از نکول، عدم قبول برات از سوی برات‌گیر است. در صورت نکول، آن شخص جزء مسئولین برات نخواهد بود.

در صورت صدور حکم ورشکستگی تاجر برات‌گیر، چه شخص حقیقی و چه حقوقی باعث ممنوع المداخله شدن (م ۴۱۸ ق.ت) او در اموالش می‌شود و قبول او نیز نوعی مداخله در اموال خویش است لذا حق قبول ندارد و نکول محسوب می‌شود که به این قسم از نکول، **نکول قهری و اجباری** نیز می‌گویند.

سؤال: نکول برات چه زمانی محقق می‌شود؟

طبق ماده ۲۳۶ ق.ت شرط تحقق نکول این است که تصدیق‌نامه‌ای که به آن اعتراض نکول یا پروتست نکول می‌گویند تنظیم گردد و در حقوق ما واخواست نکول ضرورت دارد.

### **اعتراض (واخواست، پروتست)**

واخواست عبارت است از تایید رسمی امری خاص.

الف) واخواست نکول: اگر برات‌گیر برات را نکول کند، برای اینکه دارنده برات بتواند از مزایای نکول برخوردار شود، لازم است اقدام به واخواست نکول نماید. (برای واخواست نکول مهلت مشخص نشده است. دارنده می‌تواند بین تاریخ نکول تا سررسید هر وقت که مایل بود اقدام به واخواست نماید.

ب) در مورد امتناع از قبول یا نکول.

ج) وخواست عدم تأدیه: چنانچه در سررسید به هر علتی برات گیر از پرداخت برات خودداری ورزد برای اینکه دارنده برات بتواند حق اقامه دعوی علیه امضاکنندگان برات را اعمال نماید لازم است ظرف ۱۰ روز اقدام به وخواست عدم تأدیه (با رعایت شرایط خاص آن) نماید.

### آثار نکول

وقتی برات گیر نکول کند دیگر جزء مسئولین برات نیست و به این معناست که ظهنویسی نشود. پس اگر کسانی ظهنویسی کردند نسبت به آنها (ظهنویسان) می توان اقدام کرد.

طبق ماده ۲۳۷ ق.ت.پس از اعتراض نکول ظهنویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات، باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراضنامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.

**شرایط وخواست ۱- کتبی باشد؛ ۲- در وخواست نامه و در سه نسخه تنظیم شود؛ ۳- در ستون سمت راست مندرجات برات درج شود؛ ۴- الصاق تمبر وخواست ۵- تسلیم وخواست به دایره وخواست دادگستری** پس از طی این مراحل مسئول دایره وخواست دادگستری پس از ثبت شماره و تاریخ ثبت در ستون سمت چپ وخواست نامه، یک نسخه از آن را برای برات گیر می فرستد. تاریخی که در ستون سمت چپ ثبت شده یعنی تاریخ ثبت وخواست نامه نقش مهمی دارد زیرا مشخص می کند که وخواست در مهلت قانونی انجام گرفته یا خیر. قانون گذار در مورد وخواست نکول مهلت معینی پیش بینی نکرده و دارنده می تواند در فاصله بین نکول تا سررسید هر زمانی که مایل باشد اقدام به وخواست نکول نماید.

ماده ۲۸۰ ق.ت.برای وخواست عدم تأدیه (برات و سفته) مهلت ۱۰ روزه معین کرده یعنی دارنده برات باید ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ سررسید اقدام به وخواست عدم تأدیه نماید.

**قبول شخص ثالث (مواد ۲۳۹ و ۲۴۰ ق.ت)** اگر هنگامی که براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی غیر از متعهدین به برات، برات را به نام برات دهنده یا یکی از ظهنویس ها قبول کند در این حالت شخص ثالثی که برات را قبول کرده متعهد برات می شود. قبولی شخص ثالث بایستی در اعتراض نکول قید و به امضاء شخص ثالث برسد و از ماده ۲۳۹ استفاده می شود که قبولی شخص ثالث بعد از اعتراض نکول بایستی صورت گیرد.

نکته: اگر شخص ثالث از طرف برات کش قبول کند، تمام ظهنویس ها بری می شوند و اگر از طرف ظهر نویس خاصی مثلاً ظهنویس پنجم قبول کند ظهنویس پنجم و تمامی ظهنویس های بعد بری می شوند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهنویسها بری الذمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهنویسها به عمل آید ظهنویسهای بعد از او بری الذمه اند.

مطابق ماده ۲۴۰ - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها حاصل می‌شود محفوظ خواهد بود.

**اشکال به ماده ۲۴۰ ق.ت:** شخص ثالث به این علت دخالت کرده است که شخص یا اشخاصی که دارای مسئولیت می‌باشند تا سررسید برات مصون مانده و مورد مراجعه دارنده برات قرار نگیرند. اما این ماده خلاف این مطلب را بیان می‌کند و می‌گوید دارنده می‌تواند از امتیازات نکول استفاده کند یعنی به برات‌دهنده یا ظهرنویس‌ها رجوع کرده و ضامن بخواهد و اگر ضامن معرفی نکردند دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌گردد بنابراین اشکال وارده این است که بر تاسیس حقوقی قبولی شخص ثالث، هیچ‌گونه اثری مترتب نیست.

### ظهر نویسی (مواد ۲۴۵-۲۴۸ ق.ت)

ظهرنویسی مکانیسمی برای انتقال اسناد تجاری است که در قرن ۱۶ توسط شهر ژنوای ایتالیا ابداع شد. با توجه به اینکه بدون هزینه و تشریفات بود به سرعت در نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته شد. اولین ماده راجع به ظهرنویسی ۲۴۵ ق.ت است که در این ماده عبارت برات به طور مطلق بکار رفته است یعنی هر براتی را شامل می‌شود اعم از اینکه عبارت حواله کرد همراه با نام دارند باشد یا نباشد لذا می‌توان گفت بر عبارت حواله کرد از نظر حقوقی اثری مترتب نیست

ظهر نویسی برات به معنای پشت‌نویسی برات است، که در ماده ۲۴۵ ق.ت به آن اشاره شده است، که این ظهر نویسی به سه منظور صورت می‌گیرد

۱- انتقال (ماده ۲۴۵ ق.ت) (چک و سفته نیز با ظهرنویسی منتقل می‌شوند).

۲- وکالت در وصول وجه برات (ماده ۲۴۷ ق.ت) یعنی شخص وکیل وجه را بگیرد و برای موکل بیاورد.

۳- وثیقه (ضمانت): هرچند این مورد در قانون تجارت ایران پیش‌بینی نشده لکن دارنده این سند می‌تواند با ظهر نویسی، سند خود را جهت وثیقه، در اختیار دیگری قرار دهد و از وی وام گرفته با کسب اعتبار نماید.

نکته: در صورتی که ظهر نویسی به صورت مطلق انجام شود حمل بر انتقال می‌شود و اگر مراد ظهر نویس در مورد دیگر باشد، حتماً باید تصریح نماید.

### شرایط شکلی ظهر نویسی (ماده ۲۴۶ ق.ت)

۱- ظهر نویسی بایستی به امضای ظهر نویس برسد<sup>۱</sup> لذا مهر وی کافی نبوده و فاقد اعتبار است

<sup>۱</sup>. ماده ۲۴۶ - ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد...

- ۲- با توجه به ظاهر این عمل حقوقی ظهر نویسی باید در ظهر ورقه نوشته شود (چون قانون گفته ظهر نویسی) اما به نظر برخی حقوقدان‌ها اگر ظهر نویسی روی سند نیز انجام شود ایرادی ندارد<sup>۱</sup>
- ۳- ظهر نویسی ممکن است در وجه شخص معین یا در وجه حامل یا ظهر نویسی سفید امضاء باشد
- اگر ظهر برگه برات پر شد و دیگر جای امضا نداشت در حقوق فرانسه ادامه ظهر نویسی در ورقه جداگانه‌ای به نام الونژ (ALLONGE) پذیرفته شده اما قانون تجارت ما به آن اشاره نکرده است.

**نکته:** هرچند قانون تجارت درج تاریخ ظهر نویسی را ضروری ندانسته است اما قید تاریخ از جهات مختلف مفید است. خصوصاً برای تشخیص اهلیت ظهر نویس ضروری است؛ زیرا اگر ظهر نویس در هنگام ظهر نویسی فاقد اهلیت بوده باشد ظهر نویسی وی باطل خواهد بود به همین جهت با وجود اینکه قانون‌گذار قید تاریخ را از شرایط صحت ظهر نویسی ندانسته در ماد ۲۴۸ ق.ت.<sup>۲</sup> تأکید کرده هرگاه ظهر نویس در ظهر نویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می‌شود

**سؤال:** اگر کسی ظهر براتی را امضا کرد آیا امضای وی ضمانت محسوب است یا ظهر نویسی؟

نظر اول: ظهر نویسی است مگر قرینه‌ای دال بر ضمانت باشد

نظر دوم: ضمانت

به نظر می‌رسد نظر اول درست باشد زیرا ظهر نویسی به اعتبار برات می‌افزاید و گردش آن را تسهیل می‌نماید در صورتی که ضامن فقط با مضمون عنه مسئولیت ضمانتی دارد ولی ظهر نویس با کلیه مسئولان برات مسئولیت تضامنی دارد

**سؤال:** آیا برات گیر می‌تواند وجه برات را قبل از سررسید بپردازد یا خیر؟ و اگر بپردازد آیا بری الذمه خواهد شد یا خیر؟

به موجب ماده ۲۵۶ ق.ت. برات‌گیری که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده، در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است. توضیح: فرض فوق زمانی محقق می‌شود که وجه برات به حامل که شخص دارنده واقعی برات نبوده پرداخت گردد؛ مثل موردی که برات گم شده یا به سرقت رفته (مواردی که ظهر نویسی به صورت حامل بوده) بنابراین هرگاه پرداخت قبل از سررسید انجام شود چنانچه دارنده واقعی در سررسید مراجعه کند و ثابت کند که سندش را دزدیده اند برات‌گیر باید یک بار دیگر وجه برات را پرداخت کند.

۱. یعنی لازم نیست حتماً پشت باشد!

۲. ماده ۲۴۸ - هرگاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می‌شود.



**برات رجوعی** هرچند امروزه رسم صدور برات رجوعی منسوخ شده، اما با توجه به اینکه شرایط آن در ماده ۲۹۸ ق.ت، ذکر شده، توضیح مختصری داده می‌شود.

در صورتی که دارنده‌ی برات در زمان معین شده برای گرفتن وجه مندرج در برات به برات‌گیر مراجعه نماید و برات‌گیر از پرداخت وجه برات خودداری کند؛ دارنده‌ی برات به دلیل عدم وصول وجه برات می‌تواند اعتراض نماید. دارنده‌ی برات پس از اعتراض کردن و برای گرفتن وجه مندرج در برات، می‌تواند بر عهده‌ی صادرکننده و یا هر یک از ظهرنویس‌ها براتی صادر نماید. بنابراین صادرکننده یا ظهرنویس‌های برات اصلی، برات‌گیر برات جدید هستند؛ به چنین براتی برات رجوعی می‌گویند. مطابق ماده‌ی ۲۹۸ قانون تجارت برات رجوعی براتی است که دارنده‌ی برات اصلی پس از اعتراض، برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض عهده برات دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها صادر می‌کند.

### ب: سفته (مواد ۳۰۷ تا ۳۰۹ ق.ت)

سفته یا فته طلب معرب کلمه پته فارسی به معنای دلیل و سند می‌باشد.

**تعریف سفته:** سفته (ماده ۳۰۷ ق.ت): سندی عادی تجاری در مفهوم خاص است که در آن امضاء کننده تعهد می‌نماید مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید. برخلاف برات در سفته دو نفر نقش دارند ۱. صادر کننده (امضا کننده) ۲. دارنده سند (متعهدله). همچنین در در سفته قبولی و نکول معنی ندارد. کلمه حواله کرد در تعریف هیچ بار حقوقی ندارد.

### شرایط شکلی سفته (م ۳۰۸ ق.ت):

- ۱- **امضاء یا مهر صادرکننده:** که امضاء یا مهر هم‌عرض بوده و نشان دهنده قصد انشاء صادرکننده از صدور سند تجاری می‌باشد؛
- ۲- **درج تاریخ:** که منظور تاریخ صدور سفته می‌باشد و همان فوایدی که در مورد تاریخ صدور برات مورد بررسی قرار گرفت در مورد تاریخ صدور سفته نیز مترتب است
- ۳- **درج مبلغ سفته:** باید با حروف باشد و گرنه هرچند با عدد باشد نقض شرط شکلی به وجود نمی‌آید
- ۴- **نام دارنده؛**
- ۵- **درج تاریخ سررسید:** مقررات برات در اینجا نیز لازم‌الرعایه می‌باشد.

**اشکال به ماده ۳۰۸ ق.ت:** با توجه اینکه قانون‌گذار در ماده ۳۰۷ ق.ت اجازه داده، سفته در وجه حامل باشد دیگر قرار دادن ذکر نام گیرنده، به‌عنوان یک شرط صحیح نیست. زیرا سند در وجه حامل، ملک کسی است که آن را در تصرف دارد. دلیل این تسامح تعریف نشدن سفته در قانون فرانسه است لذا قانون‌گذار ایران هنگام تعریف سفته در ماده ۳۰۷ (در اقتباس از مباحث برات) از این مطلب غفلت نموده است.

طبق ماده ۳۰۷ ق.ت. دارنده سند می‌تواند شخص معین باشد و نیز می‌توان در کنار نام دارنده عبارت حواله کرد را قید نمود ولیکن کلیه مطالبی که در مورد عبارت حواله کرد در بحث برات مطرح شد در اینجا نیز صادق است لذا این عبارت ارزش حقوقی ندارد.

همان‌طور که ذکر شد کلیه مقررات برات (۱۲ مبحث) در سفته نیز لازم‌الرعايه به جز سه مبحث اول زیرا مبحث اول راجع به شکل برات است و سفته خود شکل مستقل دارد.<sup>۱</sup>

مبحث دوم راجع به قبول و نکول است در حالی که در سفته اصلاً قبول و نکول وجود ندارد؛

مبحث سوم درباره قبولی شخص ثالث است که در مورد سفته قبولی و نکول مطرح نمی‌باشد.

نکته: در برات دو واخواست وجود دارد یکی واخواست نکول و دیگری واخواست عدم تأدیه اما در سفته فقط واخواست عدم تأدیه در ۱۰ روز (م ۳۰۹ ق.ت) وجود دارد.

\*\*\*

### ج: چک (مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ ق.ت. به همراه قانون صدور چک مصوب ۵۵ و اصلاحات ۸۲)

**تعریف چک (ماده ۳۱۰ ق.ت):** نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌کند.

در این سند تجاری سه نفر نقش دارند

۱- صادرکننده: صاحب چک می‌تواند چک را در وجه دیگری و یا در وجه خود صادر نماید که در این صورت خود او هم صادرکننده و هم دارنده می‌باشد

۲- دارنده

۳- محال‌علیه: به موجب قانون صدور چک محال‌علیه حتماً باید بانک باشد. یعنی چک‌هایی که محال‌علیه آن بانک داخلی یا خارجی باشد از مقررات قانون صدور چک تبعیت می‌کند. (مؤسسات مالی و اعتباری به‌عنوان بانک شناخته نمی‌شوند).

### شرایط شکلی چک (مواد ۳۱۲-۳۱۰ ق.ت و قانون صدور چک)

۱- تاریخ صدور چک: که از شرایط اساسی است. از آنجا که چک دستور پرداخت می‌باشد لذا صادرکننده

بایستی هنگام صدور، معادل مبلغ چک، در حسابش که در نزد محال‌علیه است، موجودی داشته باشد.

چک یک سند حال است و در آن یک تاریخ بیشتر نمی‌تواند مطرح باشد. زیرا طبق قانون چک

ابزار پرداخت نقدی است یعنی زمانی که شخص بخواهد پرداخت را به صورت نقد انجام دهد از چک

استفاده می‌کند ولی قانونگذار در قانون صدور چک در ماده ۳ مکرر تلویحاً سند وعده دار بودن چک را

<sup>۱</sup> ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته‌طلب نیز لازم‌الرعايه است.

پذیرفته است.<sup>۱</sup> در عمل نیز غالب چک‌هایی که صادر می‌شود وعده‌دار است یعنی در کلیه مواردی که بایستی برات و سفته صادر شود به جای آن چک صادر می‌شود. به همین دلیل در چک‌های امروزی دو تاریخ مطرح است یکی تاریخ صدور و یکی سررسید هرچند در داخل چک محل درج تاریخ صدور موجود نیست. تاریخ صدور چک معمولاً در چک مخفی است و آنچه که نوشته می‌شود سررسید یا وعده چک است که اگر ثابت شود که چک مدت‌دار بوده و با عدم پرداخت روبه‌رو شود در این صورت جنبه کیفری نخواهد داشت. اما همچنان سند تجاری بوده و باید وجه آن پرداخت شود.

س: عدم قید تاریخ صدور چه ضمانت اجرایی دارد؟

## دو نظر

(۱) چک تبدیل به یک سند عادی می‌شود و دیگر تجاری نیست<sup>۲</sup>

(۲) تجاری است چون قانونگذار برای عدم قید تاریخ ضمانت اجرا قرار نداده است.

۲- قید محل صدور چک که الزامی است. تعیین محل صدور چک از لحاظ احتساب مهلت اقامه دعوا اهمیت زیادی دارد (ماده ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت.۳). امروزه در فرم‌هایی که به‌عنوان چک از سوی بانک‌ها چاپ می‌شود محلی به‌عنوان قید محل صدور در نظر نمی‌گیرند.

۳- امضاء صادرکننده (در مورد این سند تجاری فقط امضاء)؛ برای صدور چک امضاء صادرکننده لازم است و در قانون، نامی از مهر به میان نیامده است. (هرچند قانون‌گذار در بحث سفته و برات، مهر را هم‌عرض امضاء قرار داده است)

۴- قید مبلغ چک؛ که از شرایط اساسی چک می‌باشد. این شرط از ماده ۳۱۰ ق.ت. که چک را وسیله واگذاری وجه توسط صادرکننده به دیگری معرفی می‌کند استنباط می‌گردد

۵- درج نام پرداخت‌کننده: با عنایت به ماده ۳۱۰ پرداخت‌کننده چک باید معلوم باشد زیرا با توجه به مقررات صدور چک فقط بر عهده بانک صادر می‌شود البته معمولاً نام بانکی که بایستی وجه چک را پرداخت کند در بالای چک چاپ می‌شود.

۶- دستور پرداخت بدون قید و شرط: منظور این است که صادرکننده چک پرداخت وجه چک را منوط به اتفاق افتادن امری یا انجام دادن کاری نکرده باشد. البته مقید یا مشروط بودن دستور پرداخت موجب بطلان یا خارج شدن سند از شمار اسناد تجاری نیست بلکه به موجب ماده ۱۳ ق.ص.چ آن شرط کان لم یکن تلقی می‌شود. چراکه هدف از اسناد تجاری تسریع و تسهیل امور است. و اصولاً شرط با ماهیت اسناد تجاری منافات دارد.

۱. ماده ۳ مکرر: (الحاقی ۱۳۸۲۰۶۰۲) چک فقط در تاریخ مندرج در آن و با پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

۲. اداره حقوقی دادگستری در نظریه مشورتی مورخ ۱۳۴۷/۵/۱۹ آورده است: مطابق ماده ۳۱۱ قانون تجارت، تاریخ چک از ارکان اساسی آن محسوب می‌شود و با فقد تاریخ چک، نمی‌توان آن را چک به معنای قانونی کلمه دانست.

۳. ماده ۳۱۵ - اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

ماده ۳۱۷ - مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.

## ۷- درج نام گیرنده چک

## حالات ممکن چک:

الف) در وجه حامل؛ اگر در قسمت گیرنده وجه، اصطلاح حامل نوشته شود هر کسی که چک را به بانک محال علیه ارائه دهد، می تواند وجه آن را مطالبه کند. در این حالت برای انتقال نیاز به ظهر نویسی ندارد.

ب) یا در وجه شخص معین؛ (اگر در قسمت گیرنده وجه، اسم شخص معینی قید شود، شخص تعیین شده می تواند با ارائه چک به محال علیه، وجه آن را مطالبه و یا با ظهر نویسی چک را به دیگری منتقل نماید)

ج) یا به حواله کرد، (اگر در قسمت گیرنده وجه، اصطلاح به حواله کرد قید شود، شخصی که در متن چک تعیین شده می تواند شخصاً وجه آن را وصول یا از طریق ظهر نویسی به دیگری انتقال یا حواله دهد) پس کلمه حواله کرد اثر حقوقی ندارد.

## مزایای چک

- ۱- چک در حکم سند لازم الاجراست. یعنی سند رسمی یا عادی است که بدون مراجعه به دادگاه قابل درخواست صدور اجرائیه از دایره اجرائی ثبت اسناد محل می باشد.
- ۲- در صورتی که دارنده، چک را به بانک ببرد و در حساب صادرکننده پول کافی نباشد یا حساب مسدود باشد، برای وی گواهینامه عدم پرداخت صادر می شود. در این هنگام دارنده می تواند: الف) از طریق مراجعه به دادگاه اقامه دعوا نماید؛ ب) یا با مراجعه به دایره اجرای ثبت تقاضای صدور اجرائیه نماید، البته باید ملکی از صادرکننده چک بشناسد و آن را معرفی کند تا آن ملک توقیف گردد. این ملک نباید از مستثنیات دین باشد یعنی جزء اموالی که داشتن آن در شأن بدهکار است نباشد. (مانند ماشین یا منزل کوچک)
- ۳- اجرائیه فقط علیه صادرکننده چک صادر می شود لذا در صورتی که دارنده قصد اقامه دعوا علیه ظهرنویسان را (تضامنی بودن) داشته باشد، باید به دادگاه مراجعه نماید.
- ۴- چک در مواردی قابل تعقیب کیفری است.

۱. صدور چک بلامحل که دو حالت دارد. یا اینکه در زمان صدور وجهی در حساب صادر کننده موجود نباشد و علی رغم این موضوع اقدام به صدور چک کند دوم اینکه: با علم به مسدود بودن حساب بانکی خودش اقدام به صدور چک کند

۲. برداشت وجه از حساب پس از صدور چک

۳. دستور عدم پرداخت. مطابق ماده ۱۴ قانون صدور چک در دو مورد صادر کننده می تواند دستور عدم پرداخت دهد. اول: مفقود شدن چک دوم تحصیل شدن چک از راه نامشروع مانند مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت.

۴. تنظیم غیر صحیح چک مثلاً اختلاف در مندرجات چک یا امضاء یا قلم خوردگی در چک نکته: قانون گذار در برخی موارد اجازه داده است، صادرکننده یا ذینفع، دستور عدم پرداخت چک را صادر کند که موارد آن در ماده ۱۴ ق.ص.چک آمده است از قبیل: سرقت، کلاهبرداری، جعل و خیانت در امانت<sup>۱</sup>.

### شرایط اقامه دعوا علیه ظهر نویس ها (مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت)

- ۱- دارنده باید وجه چک را در موعده مقرر در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت مطالبه نماید
- ۲- عدم پرداخت وجه چک، به وسیله گواهینامه عدم پرداخت وجه چک، محرز شده باشد (رأی وحدت رویه ۵۳۶ مورخ ۶۹/۷/۱۰)
- ۳- در ظرف موعده مقرر در ماده ۲۸۶ ق.ت اقامه دعوا شود. (در ماده ۳۱۴ ق.ص.چ به ماده ۲۸۶ ق.ت اشاره می کند)

### قانون صدور چک

چک سندی لازم الاجرا است.

### اقسام چک:

- ۱) چک عادی: چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر می کنند و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.
- ۲) چک تایید شده: چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید می شود. یعنی بانک تایید می کند که در حساب صادر کننده مبلغ چک موجود است و به همان میزان از حساب مسدود می شود تا مبلغ چک در موعده سررسید به دارنده تحویل شود.
- نکته: چک تایید شده نیز منحصر از ناحیه صاحب حساب صادر می شود و تنها تفاوت آن با چک عادی این است که در چک تایید شده مسئولین بانک موجودی صاحب حساب را روی چک با قید امضا مورد تایید قرار می دهند و دارنده مطمئن به وصول مبلغ چک تایید شده می باشد.

<sup>۱</sup> ماده ۱۴: (اصلاحی ۱۳۷۲، ۸۰، ۱۱) صادرکننده چک یا ذینفع با قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می نماید.

۳) چک تضمین شده: چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود.

در چک تضمین شده احتیاج به داشتن حساب جاری نیست.

۴) چک مسافرتی یا چک در گردش، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران - چه داخل چه خارج- آن پرداخت می گردد. بانک صادر کننده متعهد پرداخت این چک است. دارنده چک در موقع دریافت وجه آن، امضای دیگری در روی چک قید میکنند که باید با امضای قبلی تطبیق کند تا بانک وجه آن را پرداخت کند.

آیا می توان در مورد چک های تایید شده، مسافرتی، تضمین شده می توان دستور عدم پرداخت صادر کرد؟

خیر چون این چک ها در حکم اسکناس هستند.<sup>۱</sup>

س: اگر چک صادره قم شعبه قم باشد دارنده در شیراز گواهی عدم پرداخت بگیرد آیا دادگاه شیراز صالح است یا قم؟

ج: مطابق رای رای وحدت رویه ۶۶۹ - ۱۳۸۳ / ۷ / ۲۱ دادگاه شیراز صالح است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. خیر، مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. بنابر ماده ۱۴ قانون صدور چک، (اصلاحی ۱۳۷۲، ۸۰، ۱۱) صادرکننده چک یا ذینفع با قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده می تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک، بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می نماید.

تبصره ۳ (الحاقی ۱۳۷۶، ۱۰، ۱۴) پرداخت چک های تضمین شده و مسافرتی را نمی توان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید.  
<sup>۲</sup>. برخلاف مفاد ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ که مقرر داشته صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل داشته باشد، به موجب ماده ۳ قانون اصلاح موادی از قانون چک مصوب ۱۳۸۲/۶/۲ مقرر گردیده: «صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد» و لذا ممکن است صادرکننده چک هنگام صدور مبلغ مندرج در آن را در حساب نداشته باشد و تخلفی مرتکب نشده اما تاریخ مراجعه به بانک که معمولاً همان تاریخ سررسید و یا بعد از آن است در صورت بلامحل بودن چک، جرم تحقق یافته و در حقیقت محل وقوع جرم حوزه بانک صادر کننده گواهی عدم پرداخت خواهد بود.